

بِسْمِ تَعَالَى

مسئولیت مدنی

مقطع کارشناسی ارشد

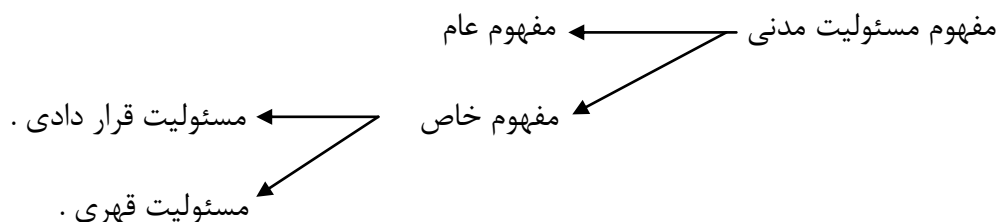
رشته حقوق خصوصی و حقوق جزا

دانشگاه آزاد اسلامی دامغان

دکتر رمضان دهقان

آذرماه ۱۳۹۶

بسم الله الرحمن الرحيم



مفهوم مسئولیت مدنی :

مسئولیت مدنی در معنای عام: وظیفه حقوقی است که یک شخص در برابر دیگری دارد و نقطه ی مقابل این مسئولیت، مسئولیت کیفری است. این مسئولیت می تواند مواردی از قبیل: جبران خسارت، یا انفاق به خویشاوندان، تسلیم مورد معامله و غیره باشد.

اما مسئولیت مدنی در معنای خاص خود به وظیفه ای است که شخص به جبران خسارت وارد به دیگری دارد. که این خسارت می تواند مادی باشد مانند تخریب دیوار همسایه به دلیل برخورد با اتومبیل و یا غیره مادی و از جنس خسارت معنوی باشد. به عبارت دیگر در مسئولیت مدنی به معنای خاص با ضرر و زیان سر و کار داریم.

اقسام مسئولیت مدنی:

مسئولیت مدنی خاص، خود به مسئولیت قراردادی و مسئولیت قهری تقسیم می شود.

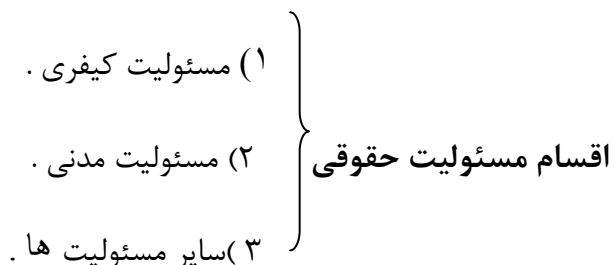
مسئولیت مدنی قراردادی :

در این قسم، ریشه ی مسئولیت تخلف و تخطی از مفاد یک قرارداد می باشد به عنوان مثال توافق می شود که پیمانکار پروژه را در مدت ۶ ماه از تاریخ انعقاد قرارداد تحویل دهد ولی پس از اتمام مدت مذکور پروژه را تحویل نمی دهد و یا این که بر خلاف توافقات به عمل آمده پروژه را ناقص و یا معیوب تحویل می دهد. بنابراین لازمه ی پیدایش مسئولیت مدنی: اولاً، انعقاد یک قرارداد صحیح بین طرفین و ثانیاً، تخلف از مفاد و تعهدات آن قرارداد از سوی متعهد است.

مسئولیت مدنی قهری :

در این نوع از مسئولیت مانند مسئولیت قراردادی ما با یک قرارداد و هم چنین تخلف از قرارداد مواجه نیستیم. و مسئولیت به حکم قانون خواهد بود مانند مسئولیت مالک اتومبیل در برابر عابری که به او برخورد کرده است. که در این مثال با مسئولیت غیر قراردادی یا همان مسئولیت قهری روبرو هستیم.

لازم به ذکر است با وجود چنین تفاوتی بین مسئولیت قراردادی و قهری این دو نوع مسئولیت قواعد و ضوابط مشترک زیادی نیز با یکدیگر دارند .



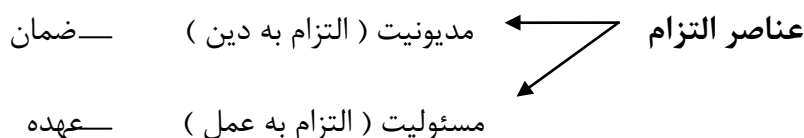
به طور کلی مسئولیت های حقوقی به سه شاخه مهم تقسیم می شوند که به اختصار به تبیین هر یک از آنها می پردازیم ؛

مسئولیت کیفری: چنانچه شخصی مرتکب فعل یا ترک فعلی گردد که قانون گذار آن را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین نموده است ، دارای مسئولیت کیفری خواهد بود .

مسئولیت مدنی: همانطور که در تعریف مسئولیت مدنی به معنای خاص گفته شد ، مسئولیت مدنی در واقع به معنای تعهد به جبران خسارت زیان دیده است که این خسارت وارده می تواند یک نوع خسارت مادی و یا غیر مادی و معنوی باشد .

سایر مسئولیت ها: ممکن است مسئولیتی از نوع کیفری و مدنی نباشد و در زمره ی انواع دیگر مسئولیت قرار گیرد مثلاً "مسئولیت قانونی باشد مانند مسئولیت شخص به پرداخت نفقه ی افراد واجب النفقه خود و یا مسئولیت می تواند اداری باشد مانند مسئولیت متصدی بایگانی به نگهداری از اسناد و اوراق بایگانی شده و یا این که مسئولیت می تواند سیاسی مانند رئیس جمهور ، وزیر و یا سایر نمایندگان سیاسی که چنین مسئولیتی دارند .

نکته: نباید پنداشت که فرد در قبال عملی که انجام می دهد تنها دارای یکی از انواع مسئولیت ها خواهد شد ، بلکه گاهی ممکن است برای فرد در ازایانجام عمل ، تلفیقی از چند نوع مسئولیت حاصل گردد مانند صدور چک بلا محل و یا قتل غیر عمد به دلیل بروز سانحه تصادف رانندگی (ماده ۷۱۴ قانون مجازات ۱۳۷۵ ، و ماده ۹۳۲ قانون مجازات اسلامی جدید). چک بلامحل هم مسئولیت مدنی (پرداخت وجه چک) و هم مسئولیت کیفری (مجازات) ایجاد می نماید. همچنین در صورتی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده یا متصدی وسیله ی موتوری ، منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه ی اولیاء دم محکوم می شود .



تفاوت مدیونیت و مسئولیت :

عناصر التزام عبارتند از :

مدیونیت و مسئولیت، مدیونیت التزام به دین است اما مسئولیت التزام به عمل است که به مدیونیت ضمان و به مسئولیت تعهد گفته می شود .

غالباً کسی که مدیون است ، مسئول نیز خواهد بود .

- صورت سه گانه التزام
- (۱) مدیونیت و مسئولیت.
 - (۲) مدیونیت صرف (۲۶۶ قانون مدنی)
 - (۳) مسئولیت صرف (۲۶۷ قانون مدنی)

همانطور که در فوق ذکر شد ، کسی که مدیون است مسئول نیز خواهد بود اما گاهی پیش می آید که فردی مدیون است اما مسئول نمی باشد و یا بالعکس .

مدیونیت و مسئولیت با هم :

اگر سعید خانه ی رضا را آتش بکشد ، در برابر رضا هم مدیون و هم مسئول است .

مدیونیت صرف :

گاهی کسی مدیون است ولی مسئول نیست . مانند طفل صغیری که (بدون تقصیر سرپرست) به دیگری خسارت وارد می کند مدیون است ولی سرپرست قانونی مسئول پرداخت است یا مانند آن که کسی به دیگری مدیون است اما دین او به دائن مشمول مرور زمان گردیده است ولی بدهکار در دین مشمول مرور زمان، مدیون است ولی مسئول پرداخت آن نیست به همین علت اگر به میل خود آن را اداء کند نمی تواند مسترد نماید. در حقیقت او مدیونیت دارد ولی مسئولیت ندارد. هر چند : که در حال حاضر مرور زمان مدنی نداریم اما همانطور که می دانید قبل از انقلاب چنین مرور زمان وجود داشته و مد نظر قرار می گرفت .

ماده ۲۶۶ قانون مدنی بیان می کند: در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی باشد اگر متعهد به میل خود آن را ایفاء نماید دعوی استرداد او ممنوع نخواهد بود .

مسئولیت صرف :

بر خلاف مورد قبل گاهی دیده می شود که فردمسئول است اما مدیون نیست. به عنوان مثال شخصی مسئولیت پرداخت وجهی را از جانب مدیون قبول می کند ولی در واقع پرداخت کننده مدیون نمی باشد ماده ۲۶۷ قانون مدنی بیان داشته که غیر مدیون نیز می تواند ایفاء دین نماید و دین دیگری را بپردازد. ماده ۲۶۷ قانون مدنی :

« ایفاء دین از جانب غیر مدیون هم جائز است اگرچه از طرف مدیون اجازه نداشته باشد ولیکن کسی که دین دیگری را ادا می کند اگر با اذن باشد حق مراجعه به او دارد والا حق رجوع ندارد» .

مثال دیگر: اگر مال مورد غصب مورد نقل و انتقال قرار گیرد و نزد آخرین غاصب تلف شود، همه غاصبین در برابر مالک مسئول هستند. ولی مدیون نهایی در روابط غاصبان کسی است که مال در نزد او تلف شده است. همه ی غاصبان مسئول هستند ولی آخرین شخص مدیون است مگر اینکه جاهل به غصب باشد (مواد ۳۱۸ و ۳۲۵ قانون مدنی).

نکته: باید گفت که مسئولیت کفیل در برابر مکفول له از نوع دین نیست بلکه در وهله ی نخست مسئولیت حاضر نمودن مکفول را به عهده دارد و در صورتی که قادر به چنین کاری نباشد مسئول پرداخت وجه الکفاله می گردد .

موارد افتراق ، مدیونیت و مسئولیت در قوانین ایران :

ماده ۶۹۹ قانون مدنی تعلیق درضمان را باطل دانسته، اما التزام به تادیه حتی اگر معلق باشد صحیح بوده و فاقد اشکال است . بنابراین ضمان باید منجز باشد و فرد نمیتواند بگوید چنانچه بدهکار از پرداخت دین خود امتناع نمود، تازه آن هنگام من ضامن خواهم شد اما فرد میتواند بگوید : من ضامن و مسئول می باشم، اما در زمان سر رسید دین مضمون له ابتدا به مدیون اصلی (مضمون عنه) مراجعه کند و چنانچه تادیه دین از وی صورت نگرفت بنده (ضامن) پرداخت خواهم نمود .

باتوجه به ماده ۶۹۹ قانون مدنی اینچنین نتیجه میگیریم که : تعلیق درمسئولیت صحیح بوده اما تعلیق درمدیونیت باطل است .

ماده ۶۹۹ قانون مدنی : «تعلیق درضمان (نقل ذمه) مثل که ضامن قید کند که اگر مدیون تداد من ضامنم باطل است. ولی التزام به تادیه ممکن تعلق باشد»

در اسناد تجاری، فقط صادرکننده سند است که مدیون می باشد اما همانگونه که مستحضرید مسئولیت پرداخت برعهده تمام مسئولین برات از جمله ضامینین و ظهرنویسان است، که مسئولین غیر از صادرکننده دیگر مدیون نمی باشند و این تنها شخص صادرکننده است که هم مدیون وهم مسئول می باشد یعنی نهایتاً دین بر او تحمیل می شود.

در رابطه با غاصبین متعدد چنانچه مال مورد غصب، در نزدیکی از غاصبین تلف کننده، مدیون می باشد و مسئول پرداخت پول نیز همین فرد خواهد بود اما سایر غاصبین تنها مسئولیت پرداخت را به عهده دارند اما مدیون نمی باشند و به همین خاطر است که غاصبین غیر متلف حق رجوع به دیگران را دارند تا نهایتاً به تلف کننده را دارند.

ماده ۳۱۸ قانون مدنی «هرگاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغضوب درید او تلف شده است آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر ندارد ولی اگر به غاصب دیگری به غیر از آن کسی که مال درید او تلف شده است رجوع نماید مشارالیه نیز می تواند به کسی که مال درید او تلف شده است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی شود به کسی که مال درید او تلف شده است و به طور کلی ضمان برعهده ی کسی مستقر است که مال مغضوب نزد او تلف شده است».

عناصر و ارکان ایجاد مسئولیت مدنی

ارکان مسئولیت مدنی

- (۱) ضرر .
- (۲) فعل غیر قانونی .
- (۳) رابطه ی سببیت .

ارکان مسئولیت شامل : ضرر ، فعل غیر قانونی ، رابطه ی سببیت بین عمل انجام شده و ضرر می باشد . علی الاصول برای بوجود آمدن مسئولیت مدنی این رکن باید وجود داشته باشد اما استثنائاتی نیز وجود دارد که با وجود فقدان این ارکان باز هم ممکن است مسئولیت مدنی بوجود آید .

فقدان ضرر :

گاهی ممکن است هیچ ضرری وجود نداشته باشد ولی مسئولیت مدنی وجه التزام حاصل گردد. مانند مطالبه ی وجه التزام مقرر در ماده ۲۳۰ قانون مدنی که ممکن است هیچ ضرری به طرف معامله (متعهدله) وارد نشود ، ولی به دلیل تخلف متخلف و به صرف همین امر مسئولیت مدنی بوجود می آید . ماده ۲۳۰ قانون

مدنی : «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف ، مختلف مبلغی را به عنوان خسارت تا دیه نماید حاکم نمی تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند» .

عدم وجود فعل غیرقانونی :

در این قسمت می توان ضمان طبیب در ماده ۳۱۹ سابق قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ را مثال زد ، که قانون گذار با این وجود که فعل طبیب غیر قانونی نمی باشد . باز هم در صورت بروز خسارت طبیب را ضامن دانسته است . این در حالی است که تعهد پزشک از نوع تعهد به وسیله است و تعهد به نتیجه نمی باشد . البته همانگونه که استحضار دارید چنانچه طبیب علاوه بر رضایت برائت را نیز تحصیل نماید در صورتی که بر خلاف مقررات و نظامات اقدام نماید دیگر مسئولیتی در قبال خسارت وارده به بیمار نخواهد داشت .

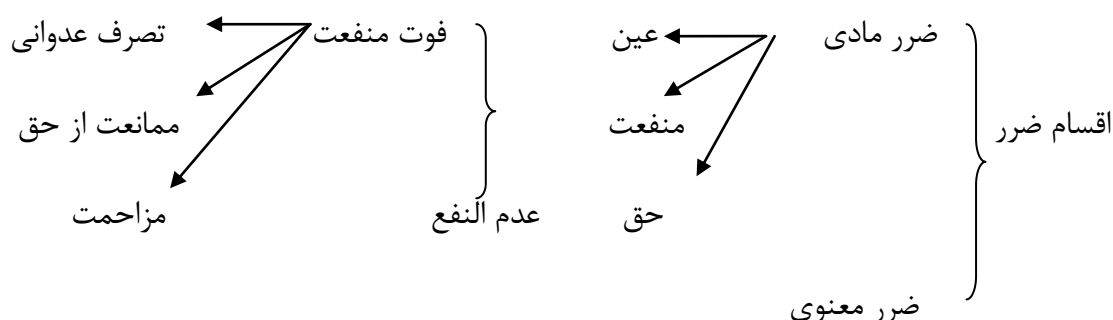
ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ مقرر می داشت: « هرگاه طبیبی گر چه حاذق و متخصص باشد در معالجه هائی که شخصا" انجام می دهد یا دستور آن را صادر می کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است» . لازم به ذکر است مسئولیت پزشک در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تغییر یافته و در صورت فقدان تقصیر پزشک ضامن نیست (ماده ۴۹۵).

فقدان رابطه ی سببیت :

در رابطه با فقدان رکن سببیت یا همان فقدان رابطه ی سببیت ، می توانیم به مقوله غصب و غاصب اشاره کنیم . قانون گذار در ماده ۳۱۵ ق . مدنی بیانگر این مطلب است که چنانچه در هنگام غصب خسارتی به مال وارد گردد غاصب مسئول است حتی اگر عمل مستند به فعل غاصب نباشد . مثلاً" اگر عین مغصوبه در اثر سیل از بین برورد و یا در اثر صاعقه و رعد و برق در آتش بسوزد با وجود این که رابطه ی سببیت بین عمل غاصب و خسارت وارده وجود نداشته باشد باز هم غاصب دارای مسئولیت مدنی و ملزم به جبران خسارت می باشد .

ماده ۳۱۵ قانون مدنی : «غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغصوب وارد شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد» .

ضرر



اولین رکن از ارکان مسئولیت مدنی ضرر است. در یک تقسیم بندی کلی ضرر به مادی و غیر مادی (معنوی) تقسیم می شود . که همانگونه که مشاهده می شود ضرر مادی خود می تواند ضرر به عین یا منفعت یا حقی باشد .

ضرر مادی به عین مانند خساراتی است که به اشیاء منقول و غیر منقول وارد می گردد مانند شکستن شیشه خودروی دیگری.

منفعت ممکن است محسوس یا غیر محسوس باشد. می توان گفت منفعت محسوس مانند میوه ی درختان ، شیر حیوانات و ... خود عین می باشند و آن چیزی که در بحث منفعت بیشتر مد نظر قرار می گیرد منفعت غیر محسوس است نظیر منفعت خانه.

ضرر معنوی :

ضرر معنوی مانند لطمه به حیثیت ، شهرت و آبروی افراد . در قوانین در مواردی مانند اصل ۱۶۷ قانون و ماده ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی به این گونه ضررها توجه شده است و آن را قابل مطالبه دانسته است.

ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ نیز به امکان مطالبه ضرر معنوی توسط شاکی تصریح دارد تبصره ۱ این ماده در تعریف ضرر معنوی بیان می کند: «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است . دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.»

نکته ای که باید بدان توجه کرد این است که جبران ضرر معنوی سخت و دشوار است، اما از آنجائی که پول از شایع ترین وسایل تشفی خاطر و جبران خسارت است گاهی یا دادن پول با انجام عذر خواهی از زیان

دیده می توان تا حدودی درصد جبران ضرر معنوی اقدام نمود. اما در مقابل گروهی بر این باورند که ضرر و زیان معنوی قابلیت جبران و مطالبه را ندارد. در قوانین ما بر خلاف برخی کشور های دیگر نصی نداریم که ضرر معنوی را به شکل پرداخت پول قابل جبران بدانند.

اصل ۱۷۱ قانون اساسی: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت بوسیله ی دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد».

ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: «هر کس بدون مجوز قانونی عمدا" یا در نتیجه ی بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد».

ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی: «در موردی که عمل کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می نماید و چنانچه عمل وارده کننده ی زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همه نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود».

مواد فوق و برخی مقررات دیگر بیانگر این است که ضرر معنوی قابل مطالبه است ولی آیا با پول قابل مطالبه و محاسبه است دلالتی ندارد.

ضرر از نوع حق:

در این رابطه حق مورد تضییع قرار می گیرد، حقی مانند حق ارتفاق، حق انتفاع، حق رهن و وثیقه یا حق کسب و پیشه. به عنوان مثال یک فرد با تخریب یک فروشگاه علاوه بر از بین بردن عین این مکان، موجبات تضییع حق کسب و پیشه ذیحق را نیز فراهم کرده است.

اقسام ضرر از نوع منفعت:

در مورد ضرر منفعت ما با دو مقوله فوت منفعت و عدم النفع روبرو هستیم. فوت منفعت قابل مطالبه است اما در عدم النفع (که از فوت منفعت ضعیف تر است) به موجب تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امر مدنی قابل مطالبه نمی باشد.

عدم النفع:

عدم النفع در واقع ممانعت از بوجود آمدن نفعی است که مقتضی وجود آن حاصل شده است مانند توقیف غیر قانونی شخص شاغل به کار و یا ممانعت از فروش جنس که یک فروشنده و بوجود آمدن کسر قیمت در جنسی که به فروش نرفته است ، که این ممانعت به گونه ای موجب عدم النفع بایع گردیده است.

ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می کند: « شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند». تبصره ۲ این ماده بیان می کند منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. ولی تبصره ۲ ماده ۵۱۵ آ. د. م مقرر می دارد: « خسارتی ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تا خیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه می باشد». برای این اساس در قانون آیین دادرسی مدنی عدم النفع قابل وصول نیست ولی با توجه به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری تحت شرایطی ضرر و زیان ممکن الحصول ناشی از جرم که به نوعی عدم النفع را هم در برمی گیرد قابل مطالبه است.

فوت منفعت :

باید گفت ، لطمه زدن به منافع دیگری به ۳ طریق صورت می گیرد ، تصرف عدوانی ، ممانعت از حق و مزاحمت از حق که وفق ماده ۹۰۸ قانون مجازات اسلامی جدید مستوجب مسئولیت کیفری بوده و جرم محسوب می گردد .

به عنوان مثال منافع یک حلقه چاه مزروعی ، به واقع آب آن چاه می باشد حال اگر این آب توسط کسی غصب گردد ، تصرف عدوانی صورت گرفته است . اما اگر به هر طریق از استفاده آن جلوگیری شود و کسی بین ذیحق و آب مانعی قرار دهد ممانعت از حق صورت گرفته است و نهایتاً " چنانچه فردی در جهت بهره بردن از این آب به هر شکل مزاحمتی ایجاد نماید (نظیر گل آلود کردن) ، مزاحمت از حق صورت گرفته است .

از سوی دیگر اگر کسی تنها مجوز حفر چاهی را اخذ نموده باشد و دیگری مانع از حفاری گردد ، در واقع عدم النفع صورت گرفته است ، چرا که هنوز منفعتی حاصل نشده است که بتواند مورد تصرف یا مزاحمت یا ممانعت قرار گیرد.

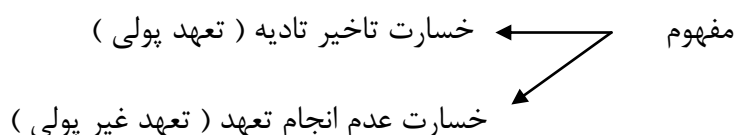
ماده ۱۵۸ آ. د. م : دعوی تصرف عدوانی عبارت است از : ادعای متصرف سابق مبنی بر این دیگری بدون رضایت او مال غیر منقول را از تصرف وی خارج کرده و اعاد تصرف خود را نسبت به آن مال در خواست می نماید .

ماده ۱۵۹ آ. د. م: دعوی ممانعت از حق عبارت است از: تقاضای کسی که رفع ممانعت از حق در تفاق یا حق انتفاع خود را در ملک دیگری بخواهد.

ماده ۱۶۰ آ. د. م: دعوی مزاحمت عبارت است از: دعوائی که به موجب آن متصرف مال غیر منقول در خواست جلوگیری از مزاحمت کسی را می نماید که نسبت به تصرفات او مزاحم است بدون این که مال را از تصرف متصرف خارج کرده باشد.

در پایان این مبحث باید گفت با توجه به این که تبصره ۲ ماده ۵۱۵ آیین دادرسی مدنی عدم النفع را قابل مطالبه ندانسته است اما شایسته بود که قانونگذار این نوع خسارات را نیز قابل مطالبه می دانست. زیرا عدم النفع هم ضرر محسوب می شود و دلیل و مبنای محکمی بر غیر قابل مطالبه بودن آن از نظر حقوق وجود ندارد.

خسارت تأخیر تادیه:



یکی از مصادق ضرر، خسارت تأخیر تادیه است که برای خسارات ناشی از دیون پولی مطرح می گردد و در رابطه با تعهدات غیر پولی در صورت عدم انجام صحیح یا به هنگام تعهد، بحث دیگری با عنوان خسارت عدم یا تأخیر در انجام تعهد موضوعیت پیدا می کند.

- | | | |
|---|---|--|
| (۱) مطالبه از طریق اظهار نامه یا طرح دعوا . | } | خسارات تأخیر تادیه در |
| (۲) مفروض بودن ضرر . | | مقررات قبل از انقلاب |
| (۳) عدم امکان مطالبه ی خسارت از خسارت . | | (مواد ۷۰۹ تا ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی سابق) |

الف (خسارت تأخیر تادیه قبل از انقلاب :

ویژگی های خسارت تأخیر تادیه قبل از انقلاب :

مطالبه با اظهار نامه یا از طریق طرح دعوا :

در قبل از انقلاب برای مطالبه ی خسارت ناشی از تأخیر تادیه وفق ماده ۷۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی سابق باید از طریق ارسال اظهار نامه و یا اقامه ی دعوا صورت می گرفت .

مفروض بودن ضرر :

بدین معنا که اگر مدعی چنین حقی برای مطالبه ی خسارت تأخیر تادیه اظهارنامه ارسال می نمود و یا طرح دعوا می کرد دیگری وظیفه ای تحت عنوان اثبات زیان ناشی از تأخیر تادیه لازم نبود .

همچنین در قبل از انقلاب میزان خسارت ۱۲ درصد در سال و مقطوع بود و مانند مقررات فعلی مقدار خسارت با توجه به شاخص بانک مرکزی تعیین نمی گردد. و این مقرر در ماده ۷۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی سابق بیان شده بود .

عدم امکان مطالبه ی خسارت از خسارت :

در قبل از انقلاب همانند حال حاضر امکانی مطالبه ی خسارت از خسارت وجود نداشت . حتی اگر پرداخت دین و خسارت با تأخیر از جانب مدیون صورت می گرفت. این معیار در حقوق برخی کشورهای دیگر از جمله در حقوق انگلیس هم دیده می شود و در نظر گرفتن چنین حکمی می تواند بنابه مصالحی مانند ناتوانی مدیون از پرداخت دین به مدیون قابلیت توجیه پیدا نماید .

ب : خسارت تأخیر تادیه (۱) نظرات شورای نگهبان .

پس از انقلاب اسلامی (۲) واکنش بانک ها .

(۳) مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد

تسهیلات سابق .

(۴) مصوبه ی مجمع درباره ی چک در سال ۱۳۷۶ .

پس از انقلاب شورای نگهبان ، گرفتن خسارت تأخیر تادیه را « ربا » دانست و مطالبه ی آن را ممنوع اعلام کرد . این نظریه ی شورای نگهبان با واکنش های فراوان از سوی بانک ها مواجه شد چرا که مانع گرفتن دیر کرد از سوی بانک ها می شد و بانک ها برای باز پس گرفتن تسهیلات اعطائی خود ناگزیر به گرفتن دیر کرد و استفاده از این اهرم می باشند . شورای نگهبان پس از مواجه شدن با این واکنش ها این چنین نظر داد :

بانک ها در صورتی می توانند دیر کرد بگیرند که چنین امری را در قرارداد تسهیلات خود شرط نمایند و به همین خاطر شرط اخذ دیر کرد در صورت عقب افتادن اقساط تسهیلات ، در قراردادهای اعطای تسهیلات به مشتریان پیش بینی شد.

این نظریه مشکل بانک ها را در آینده حل کرد ، اما در رابطه با تسهیلات سابق تعیین تکلیف نشده بود که با پیگیری بانک ها ، مجمع تشخیص مصلحت نظام اجازه داد تا بانک ها نسبت به تسهیلات اعطائی سابق نیز بتوانند در صورت عقب افتادن پرداخت اقساط دیر کرد بگیرد .

در حال حاضر گاهی بانک ها جای مقدار درصد خسارت دیر کرد را خالی گذاشته و آن را در هنگام نیاز به نرخ روز پر می نمایند .

مشاهده شد که طبق نظریه شورای نگهبان چنانچه بانک ها در قراردادهای تسهیلاتی خود شرط نمایند که مشتری در صورت تعویق در پرداخت اقساط دیر کرد بدهد ، با وجود چنین شرطی این دیر کرد دیگر عنوان ربا به خود نمی گیرد . این در حالی است که در ربا نیز شاهد شرط زیادتی می باشیم بدین ترتیب که گیرنده چیزی مازاد بر مال ما خوده در سر رسید باید تسلیم نماید اما در این مورد وجود شرط نیز نمی تواند مشکل شرعی را مرتفع نماید زیرا شرط کردن نمی تواند ماهیت خسارت را تغییر دهد. ماهیت خسارت تأخیر تأدیه ربا نیست زیرا در ربا چنانچه فرد ربا گیرنده در پرداخت آن هیچ گونه دیر کردی هم نداشته باشد باز هم باید مبلغ مازاد مورد توافق را بپردازد اما در مطالبه ی خسارت از سوی بانک ها به دلیل عقب ماندن اقساط به شرط دیر کرد در پرداخت اقساط تسهیلات است و به واقع چنانچه گیرنده ی تسهیلات در پرداخت اقساط دیر کرد نداشته باشد هیچ خسارتی از جانب گیرندگان تسهیلات به بانک داده نخواهد شد . مبنای تأخیر تأدیه تخلف از ادای دین در موعد مقرر است.

تعیین میزان خسارت ناشی از دیر کرد :

در تعیین این خسارت علاوه بر مبلغ وام باید به مدت عقب افتادگی اقساط و درصد سود سالانه نیز توجه نمود .

حال اگر فرض کنیم مبلغ وام ۱۰ میلیون تومان و مدت عقب افتادگی اقساط ۳۰ روز با نرخ ۱۵ درصد ، چه میزان خسارت دیر کرد به خود اختصاص می دهد ؟

برای پیدا کردن مبلغ خسارت دیر کرد مبلغ وام را ضرب در مدت دیر کرد و هم چنین ضرب در درصد سالیانه می نمائیم و پاسخ را بر تعداد روزهای سال که همان ۳۶۵ روز باشد تقسیم می کنیم.

$$۱۰۰۰۰۰۰۰ \times ۳۰ \times ۰/۱۵ \div ۳۶۵ = ۲۸۷/۱۲۳ \text{ تومان}$$

راه حل دیگر در محاسبه این است که مبلغ وام را در روزهای تاخیر و عدد ۱۵ (درصد تاخیر سالانه) ضرب نمائیم و رقم بدست آمده را بر ۳۶۵۰۰ تقسیم می نمائیم به عبارت دیگر رقم اعشاری را از درصد تاخیر و سود برمی داریم بجای آن ۲ عدد صفر به روزهای سال اضافه کنیم

$$\frac{15 \times 30 \times \text{میلیون} \times 10}{36500} = 123/287 \quad \text{تومان}$$

مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد چک در سال ۱۳۷۶:

مطابق ماده واحده ی مصوب ۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام یک تبصره به ماده ۲ قانون چک بدین شرح الحاق می شود: « دارندة چک می تواند محکومیت صادر کننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید...»

همچنین مجمع در پاسخ به استفساریه مصوب فوق در ۱۳۷۷/۹/۲۱ اعلام داشته است:

« منظور از کلیه خسارات و هزینه های وارد شده « در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون چک، خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه های قانونی است.

تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹

تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ ق.م بیان می کند: « چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه ی زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند...»

در سال ۱۳۷۶ خسارت تأخیر علاوه بر چک در خصوص مهریه زوجة نیز پیش بینی شده هرچند آنچه که در قوانین ما تحت عنوان خسارت تأخیر از آن یاد می شود در حقیقت افت ارزش پول است که به تورم وابسته است نه صرف تأخیر و قصور بدهکار در ادای دین. اگر بانک بطور مثال بابت تأخیر در ادای اقساط ۶ درصد خسارت تأخیر دریافت می نماید به تورم ارتباطی ندارد. در حقیقت تأخیر بدهکار موجب تعلق خسارت تأخیر می گردد ولی در مورد اشخاص چنین نیست و اگر چند ماه هم در ادای دین تأخیر شود ولی از زمان سررسید تا زمان صدور حکم تفاوت فاحشی در ارزش پول بوجود نیاید به خسارت حکم داده نخواهد شد.

بنابراین اگر طبکار از بدهکار چکی دریافت نماید و بلامحل باشد از تاریخ سررسید تا زمان پرداخت آن ، خسارت تأخیر تادیه تعلق خواهد گرفت. البته تعلق این خسارت در صورتی می باشد که چک در تاریخ سررسید محل نداشته باشد به نظر می رسد اخذ گواهی عدم پرداخت برای محاسبه ی مبدأ خسارت ضروری نمی باشد و خسارت تأخیر از زمان سررسید چک محاسبه می شود حتی اگر گواهی عدم پرداخت مدنی پس از آن اخذ گردد.

باید توجه داشت که چنین مقرره ای درباره سفته ، برات و سایر اسناد تجاری و رسیدها مد نظر و ملاک عمل قرار نمی گیرد .

خسارت تأخیر تادیه در آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی :

به موجب ماده ۵۲۲ این قانون که بیان گر مقرر عام می باشد چنانچه دین به هر نحو از قبیل : رسید عادی ، سفته ، چک ، برات و ... مستند شده باشد در صورت تأخیر در پرداخت می توان تحت شرایط لازم این ماده خسارت تأخیر تادیه را از بدهکار دریافت نمود .

ماده ۵۲۲ آئین دادرسی مدنی : « در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و یا مطالبه و این و تکمیل مدیون ، مدیون امتناع از پرداخت نموده ، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سر رسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه ی طلبکار ، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحوه ی دیگری مصاحبه نمایند » .

در واقع در این ماده ۴ شرط برای اخذ خسارت تأخیر تادیه ذکر گردیده است :

موضوع دعوا دین و از نوع وجه رایج باشد .

از زمان سررسید دین تا هنگام پرداخت آن ، شاخص قیمت ها تغییر فاحش پیدا کرده باشد.

بنابراین چنانچه افت ارزش پول نا چیز باشد دیگر چیزی تحت عنوان خسارت تأخیر تادیه قابل مطالبه نخواهد بود .

۳) خسارت تأخیر تادیه از زمان مطالبه ی داین محاسبه می شود .

و این مطالبه بر خلاف قبل از انقلاب که تنها از طریق ارسال اظهار نامه و یا طرح دعوا ممکن بود ، از هر طریقی امکان پذیر است ، حتی اگر این مطالبه از طریق ارسال پیام کوتاه صورت گرفته باشد (در صورت

اثبات) خسارت قابل مطالبه است. پس طریق مطالبه دین در حال حاضر طریقت دارد بر خلاف قبل از انقلاب که این طرق موضوعیت داشته است .

۴) مدیون متمکن بوده و توانائی پرداخت دین را داشته باشد . که باید توجّه داشت که در بدو امر اصل بر توانائی و تمکن مدیون است مگر که خلافت ثابت گردد .

نکته ۱: که شروط سّوم و چهارم در مورد مطالبه خسارت تأخیر تأدیه (یعنی مطالبه ی دائن و نمکن مدیون) در رابطه با چک مورد نظر قرار نمی گیرد .

نکته ۲: در رویه ی حال حاضر خسارت تأخیر تأدیه شامل ضمان قهری نمی شود و شامل تعهدات قراردادی که منشاء عقدی داشته باشند می شود . بنابراین اگر فردی در سال ۱۳۹۲ تصادف کند و الزمیه محکوم به پرداخت ۵ میلیون تومان خسارت به زیان دیده شود ولی تا ۵ سال دیگر این خسارت را پرداخت ننماید ، طبق رویه ی قضائی حال حاضر ما برای چنین تأخیری در پرداخت ، چیزی تحت عنوان خسارت تأخیر تأدیه تعلق نمی گیرد .

نکته مهم: خسارت ناشی از تأخیر در تأدیه دارای ۲ جنبه است :

۱) افت ارزش پول ۲) خسارت ناشی از تأخیر در پرداخت (حتی اگر ارزش پول دچار افت نشده باشد) .

باید توجّه داشته باشیم که در مقررات ما خسارت تأخیر تأدیه فقط از جنبه ی اوّل قابل مطالبه است . پس اگر کسی در ادای دین پولی تأخیر نماید و ارزش پول در مدت تأخیر کاهش نیابد خسارت قابل مطالبه نیست هرچند نفس تأخیر در پرداخت پول موجب زیان طلبکار می گردد.

انجام فعل غیر قانونی:

دومین رکن از ارکان مسئولیت مدنی ارتکاب فعل نامشروع و خلاف قانون است. از افعال مباح و مشروع نظیر دفاع مشروع، امر آمر قانونی یا مقام صالح اگر خسارتی ایجاد شود مسئولیت مدنی بوجود نمی آید.

رابطه ی سببیت :

سومین رکن از ارکان مسئولیت مدنی رابطه سببیت است. بین ضرر و فعل باید رابطه ی سببیت وجود داشته باشد یعنی ضرر از همان فعل ناشی شود به عنوان مثال چنانچه سعید به فرزند سم بخوراند و فرزند در اثر همین خوردن سم فوت کند . بین عمل سعید و فوت رابطه ی سببیت وجود دارد اما اگر همین مثال پس از خوردن سم ، فرزند به علّت دیگری مثل سکتته کردن یا اصابت گلوله فوت کند . دیگر نمی توان بین عمل سعید و فوت فرزند رابطه ی سببیت را بر قرار دانست .

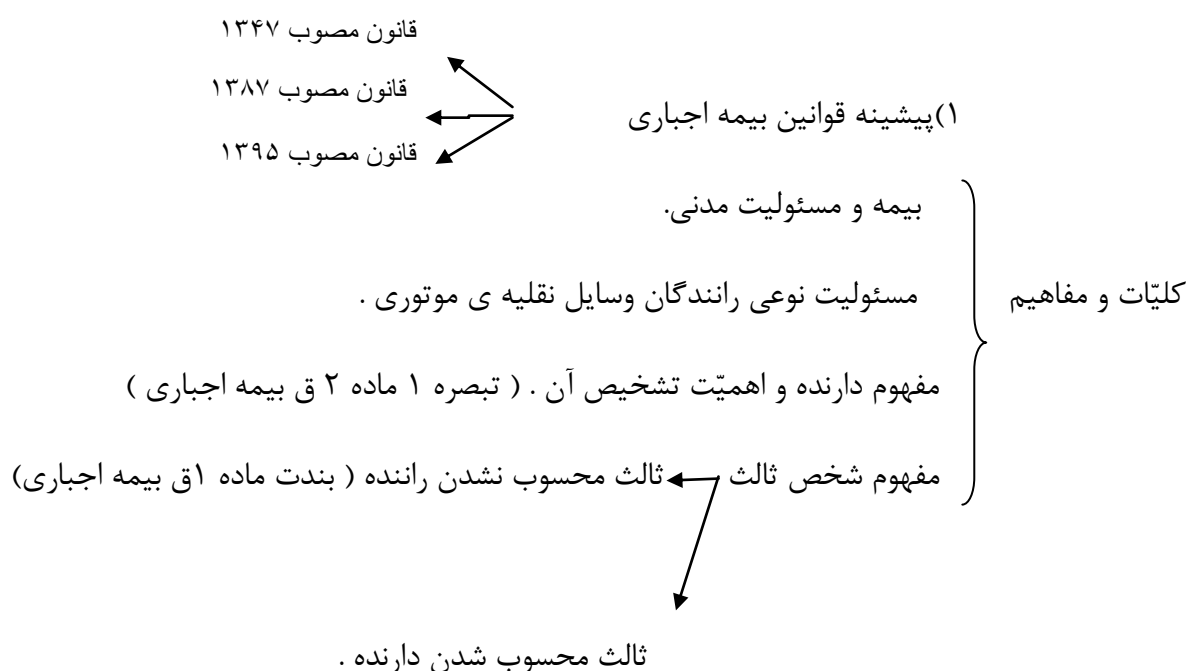
ممکن است در بروز حادثه ، علت وقوع واحد باشد و گاهی نیز ممکن است دلایل و علل متعددی در وقوع حادثه دست به دست هم بدهند . اما در هر حال مباشر در وقوع آن دخالت مستقیم دارد اما سبب زمینه سازی می کند .

در فرض اجتماع سبب و مباشر ، اصل بر مسئولیت مباشر است به عنوان مثال اگر سعید چاهی حفر کند و رضا دوچرخه ی علی را به درون چاه بیندازد ، مباشر یعنی علی مسئول است نه سعید . مگر این که سبب اقوی از مباشر باشد مثلاً" در فرض فوق الذکر سعید به علی که مجنون است بگوید که دوچرخه رضا را به درون چاه بیندازد (ماده ۲۳۲ قانون مدنی)

در اجتماع چند سبب ، چنانچه اسباب در طول یکدیگر باشند سبب مقدم در تأثیر مسئول است مگر اینکه عمل شخص مقدم مجاز و عمل شخص موخر ممنوع باشد که در این حالت نفر دوم ضامن است. ماده ۵۳۵ ق. مجازات جدید بیان می کند: « هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد ضامن است...»

ماده ۵۳۶ همین قانون نیز بیان می کند: « هرگاه در مورد ماده ۵۳۵ این قانون عمل یکی از دو نفر غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد... شخصی که عملش غیر مجاز بوده ضامن است...». هر گاه چند نفر با هم به صورت همزمان سبب آسیب یا خسارتی شوند ، همگی به طور مساوی عهد دار خسارت خواهند بود. (ماده ۵۳۳ ق. مجازات ۱۳۹۲)

مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی :



پیشینه قوانین بیمه اجباری

قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه ی موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث ، برای اولین بار در سال ۱۳۴۷ به تصویب رسید و بیمه ی شخص ثالث ، اجباری شد . پس از گذشت چهل سال از زمان تصویب چنین قانونی در فرآیندی تحت عنوان اصلاح قانون ، تغییرات فراوانی کرد در سال ۱۳۸۷ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری به تصویب رسید تغییرات در این قانون تا حدی بود که می توان این چنین تعبیر کرد که در سال ۱۳۸۷ قانون بیمه ی اجباری جدیدی وضع گردیده است . قانون سال ۸۷ برای مدت ۵ سال بطور آزمایشی تصویب شد پس از اتمام ۵ سال مجدداً این قانون تمدید شد. تا اینکه در ۱۳۹۵/۲/۲۰ قانون جدیدی تحت عنوان «قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» به تصویب رسید.

ارتباط بیمه با مسئولیت مدنی

در تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی بر قوانین بیمه اجباری خسارات وارده به اشخاص ثالث تکیه می شود سوالی که مطرح می شود این است که ارتباط بیمه با مسئولیت مدنی نیست.

باید توجه داشت که قانون جدید مصوب ۱۳۹۵ همانند قوانین سابق ، در درجه ی اول قانونی است که به بیمه مربوط است تا این که به مسئولیت مدنی بپردازد . اما در این قانون قواعد و مقرراتی در مورد مقوله ی مسئولیت مدنی وجود دارد که نظام مرسوم و عادی مسئولیت مدنی را تغییر می دهد .

مسئولیت نوعی راننده

فرض مسئولیت دارندگان اتومبیل در قانون بیمه اجباری سال ۱۳۴۷ با صراحت بیشتری قابل استنباط بود اما در قانون جدید این حکم به صراحت بیان نشده است در ماده ۲ قانون جدید بیان شده است: «کلیه دارندگان وسائل نقلیه موضوع این قانون اعم از این که اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص ثالث وارد می شود بیمه کنند» در تبصره ۲ ماده ۲ نیز بیان شده است «مسئولیت دارنده وسیله نقلیه در تحصیل بیمه نامه موضوع این قانون مانع از مسئولیت شخص که حادثه به فعل یا ترک فعل او است نمی باشد. بنابراین در قانون جدید به مسئولیت دارنده به اخذ بیمه نامه ثالث تصریح شده است، همچنین مسئولیت مقصر حادثه باقی است هرچند در هر حال خسارت وارد شده از محل بیمه نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می گردد ولی به مسئولیت نوعی یا فرض مسئولیت دارنده خودرو در صورت وقوع حادثه اشاره نگردید. ولی این مسئولیت نوعی برای راننده (که ممکن است مالک یا غیر مالک خودرو باشد) قابل استنباط است.

مسئولیت نوعی یعنی ، در صورت بروز حادثه ، دارنده و یا راننده ، نوعاً "مسئول خواهند بود ، که چنین مبنائی به واقع با مبانی نظام سنتی مسئولیت مدنی هم سو و یکسان نمی باشد ، چرا که در نظام سنتی مسئولیت مدنی ، در صورتی فرد مسئول قلمداد می شود که علاوه بر وجود رابطه ی سببیت ، تقصیر عامل ورود زیان نیز به اثبات برسد و در غیر این ، اصل بر براءت خواهد بود .

به دلیل مسئولیت نوعی است که رانندگان وسایل نقلیه بدون اینکه زیان دیده تقصیر آنان را اثبات کند مسئول شناخته شده و ملزم به جبران خسارت خواهند بود . قانون گذار انجام بیمه ی ثالث را برای دارندگان وسایل نقلیه اجباری کرده است و بیمه با تسهیل در جبران خسارت ، از مشکلات زیادی خواهد کاست پس در می یابیم که با نوعی قلمداد نمودن مسئولیت راننده و اجباری کردن انجام بیمه ی شخص ثالث ، با کنار گذاشتن جبران خسارت شخصی ، و در نظر گرفتن یک نظام اشتراکی جبران خسارت (پرداخت از جانب شرکت های بیمه) جبران خسارات زیاندیدگان را تسهیل نموده است .

حکم مسئولیت نوعی رانندگان وسایل نقلیه ، به واقع حکمی برگرفته از منطق و مصلحت در حوادث رانندگی است هرچند با اصل براءت یا لزوم اثبات تقصیر وارد کننده زیان دیده سازگار نیست اگر در حوادث ناشی از رانندگی نیز بخواهیم در بحث مسئولیت مدنی از همان قواعد نظام سنتی استفاده نمائیم و بخواهیم بار اثبات تقصیر را به دوش زیان دیده بگذاریم ، چنین امری در برخی موارد دشوار و در موارد بسیار غیر ممکن خواهد گردید و برای جلوگیری از چنین وضعی و برای احقاق حقوق زیان دیده ، بر خلاف مبانی اولیه مسئولیت مدنی، قانون بیمه اجباری مسئولیت راننده را مفروض دانسته و در صورت اثبات عدم انتصاب حادثه به علت وجود قوه قاهره، یا تقصیر ثالث یا تقصیر زیان دیده از سوی ایشان ، آنها را از مسئولیت مبری دانسته و در غیر این صورت به جبران خسارت زیان دیده ملزم گردانید .

بدیهی است که ، زیان دیده باید عامل ورود زیان را معین و سپس معرفی کند و نیز صدق ادعا و دلایل و مدارک بروز حادثه با چنین فردی را بیان کند و پس از اثبات رابطه ی سببیت بین فرد معین و حادثه ی منجر به ورود خسارت ، دیگر زیان دیده الزامی به اثبات تقصیر طرف مقابل ندارد ، چرا که همانطور که ذکر گردید مسئولیت راننده ی وسیله ی نقلیه مفروض است .

مفهوم دارنده و اهمیت تشخیص آن :

قانون اصلاح قانون بیمه ی اجباری در ماده ۲ اشاره به دارندگان دارد و بیان می کند :

« کلیه دارندگان وسایل نقلیه ی موضوع این قانون اعم از این اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند ، مکلفند وسایل نقلیه ی مذکور به اشخاص ثالث وارد می شود ، حداقل به مبلغ مندرج در ماده ۸ این قانون نزد شرکت بیمه ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه ی مرکزی داشته باشد بیمه کنند . »

تبصره ۲ همین ماده مقرر داشته است :

« مسئولیت دارنده ی وسیله ی نقلیه ، مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی باشد در هر حال خسارت وارده از محل بیمه نامه ی وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می گردد . »

در این تبصره دارنده را از راننده تفکیک نموده است ، دارنده ، مالک یا متصرفی است که طی قرار دادی خودرو را در تصرف دارد و می توان تصور نمود که در رابطه با یک وسیله ی نقلیه در صورتی که مالکیت آن مشاع باشد با چند دارنده هم روبرو باشیم اما راننده که می تواند مالک و یا غیر مالک باشد ، در هنگام بروز حادثه تنها یک نفر می باشد . در توضیح تبصره ۲ می توان گفت مسئولیت دارنده مانع از مسئولیت راننده نمی باشد

و اما تعیین دارنده از ۲ جهت حایز اهمیت است .

الف: از حیث تعیین کسی که مکلف به انعقاد قرارداد بیمه است: عموماً "وظیفه ی بیمه کردن وسیله ی نقلیه ، با مالک (دارنده) است و دارنده در تبصره ۱ ماده ۲ قانون اجباری ۱۳۹۵ این چنین تعریف گردیده است .

« دارنده از نظر این قانون اعم از مالک و یا متصرف وسیله ی نقلیه است و هر کدام که بیمه نامه ی موضوع این ماده را تحصیل نماید تکلیف از دیگری ساقط می شود . »

دارنده در واقع کسی است که مدیریت و کنترل معنوی وسیله نقلیه را به عهده دارد و بر آن نظارت می کند . و اصولاً این مالک است که چنین صلاحیت و توانائی دارد . در بحث تفاوت مالک با متصرف یا همان سایر دارندگان باید بگوئیم : همواره چنین فرض می شود که مالک ، دارنده ی وسیله ی نقلیه است مگر این که خلاف آن ثابت شود .

ب: از جنبه شناسایی شخص مسوول در صورت وجود علل و اسباب متعدد در ایجاد حادثه: اگر بروز حادثه رانندگی ناشی از تقصیر مالک باشد او مسوول شناخته می شود هر چند راننده نباشد مانند اینکه خودرو را به صغیر غیر ممیز یا مجنون بسپارد. در صورتی که مالک یکی از اسباب موثر در ایجاد حادثه باشد به میزان دخالت و تاثیر مالک مسوولیت بین او و راننده توزیع می گردد.

مفهوم شخص ثالث

قانون بیمه ی اجباری به قانون بیمه ی شخص ثالث معروف بوده و به اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث این نام یاد می شود ، زیرا خسارت های وارده به شخص یا اشخاص ثالث ، از سوی شرکت های بیمه پرداخت می شود . مالک که معمولاً راننده هم است به عنوان بیمه گذار و شرکت بیمه به عنوان بیمه گر طرفین عقد هستند و سایرین در این عقد ثالث به شمار می آیند.

قانون بیمه اجباری ۱۳۴۷ هر چند به عنوان قاعده تمام کسانی که در اثر حوادث رانندگی آسیب می دیدند را شخص ثالث می دانست ، اما افراد زیادی را از قلمرو اشخاص ثالث مستثنی کرده بود ، که خود مشکلاتی را پدید می آورد . در این راستا قانون جدید با بر طرف کردن این ایراد قانون سابق و در جهت حمایت هر چه بیشتر از قربانیان حوادث رانندگی تنها راننده ی وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه را از شمول اشخاص ثالث مستثنی گردانیده است . بند ت ماده ۱ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵ در تعریف شخص ثالث بیان می کند «شخص ثالث هر شخصی است که به سبب حوادث موضوع این قانون دچار خسارت بدنی و یا مالی شود ، به استثناء راننده ی مسبب حادثه » . با این توضیح مفهوم ثالث در بیمه شخص ثالث با ثالث در سایر قرار دادها قدری متفاوت است. در سایر عقود کسی که جزء طرفین عقد نباشد ثالث است مثلاً در عقد بیع با بیع و مشتری و در عقد نکاح زوج و زوجه اطراف عقد و سایرین ثالث هستند ولی در عقد بیمه شخص ثالث خود مالک به عنوان بیمه گذاری که طرف انعقاد عقد است اگر راننده نباشد ثالث محسوب و از مزایای بیمه شخص ثالث بهره مند می شود پس اگر شوهر مالک خودرو و زوجه راننده باشد و حادثه ای رخ دهد شوهر ثالث محسوب می شود. برعکس در این مثال زوجه که در حقیقت در عقد بیمه بیگانه و ثالث است نمی تواند از مزایای بیمه ثالث استفاده نماید. راننده می تواند از بیمه حوادث راننده (مذکور در ماده ۳ قانون) استفاده نماید که مزایای آن مقداری از بیمه ثالث کمتر است.

در واقع دلیل این که قانون گذار تنها راننده را در زمره ی اشخاص ثالث ندانسته ! این است که راننده خود ، مسئول خسارت وارده است بنابراین ، دارنده ی طلب مسئولیت مدنی نیست تا پرداخت این طلب توسط بیمه گر تضمین شود . هر چند مشمول بیمه دیگری تحت عنوان بیمه حوادث راننده قرار می گیرد ولی بدیهی است که این بیمه، بیمه مسئولیت نیست بلکه بیمه حادثه است

همانطور که راننده از شمول اشخاص ثالث خارج گردیده است و وارثان راننده بابت زیان شخصی که از مرگ راننده تحمل کرده اند نمی توانند عنوان ثالث را داشته باشند . زیرا مسئول نبودن بیمه گر بابت اصل خسارت وارد به راننده به معنای مسئول نبودن او بابت تبعات این خسارت (زیان شخصی بازماندگان) هم هست .

اما چنانچه در یک حادثه رانندگی ، فرزند راننده (یا سایر اقربای او) فوت شدند ، راننده به عنوان قائم مقام شخص ثالث (فرزند فوت شده) به بیمه گر حق رجوع دارد .

در فرض تصادم دو وسیله ی نقلیه ، هر یک از رانندگان نسبت به وسیله ی نقلیه طرف مقابل ، شخص ثالث محسوب می شود ماده ۶ آئین نامه ی قانون بیمه اجباری ۱۳۴۷ به این مسأله تصریح کرده بود و حق این که قانون جدید هم آن را تکرار می کرد با وجود این چنانچه تقصیر راننده علت منحصر باشد . طرف مقابل در برابر او مسئولیت مدنی ندارد تا بیمه گر ملزم به جبران خسارت باشد .

سایر مفاهیم:

۱- حادثه: منظور از حادثه هرگونه سانحه ناشی از وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی شهری و بین شهری و واگن متصل یا غیر متصل به آن و یدک و کفی و تریلری متصل به آنها است (بند پ قانون جدید)

۲- وسیله نقلیه: وسیله نقلیه ای مشمول این قانون است که اولاً: موتوری باشد بنابراین وسایل نقلیه غیر موتوری نظیر دوچرخه و گاری مشمول بیمه اجباری شخص ثالث نیست. ثانیاً: زمینی باشد و سائیل نقلیه موتوری هوایی یا دریایی مشمول قوانین خاص خود هستند

ضمانت اجرای عدم تحصیل بیمه نامه شخص ثالث

مطابق قانون بیمه اجباری مالکان وسائل نقلیه موتوری زمینی اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی مکلفند وسایل نقلیه خود را حداقل معادل دیه یک مرد مسلمان درماه های حرام در بخش خسارت بدنی و حداقل دو ونیم درصد (۲/۵ درصد) تعهدات بدنی در بخش خسارت مالی بیمه نمایند (مواد ۲ و ۸ قانون بیمه اجباری) سوالی که مطرح می شود این است که تخلف از این امر چه ضمانت اجراهایی بدنبال دارد:

الف: ضمانت اجرای کیفری: چنانچه دارنده وسیله نقلیه بیمه نامه ثالث تحصیل نکند در صورتی که مالک شخص حقوقی باشد به جزای نقدی معادل ۲۰ درصد و در صورتی که مالک شخص حقیقی باشد به جزای نقدی معادل ۱۰ درصد مجموع خسارات بدنی وارد شده محکوم می شود (بند ب ماده ۳ قانون بیمه اجباری)

لازم به ذکر است که این محکومیت زمانی است که اولاً: حادثه ای رخ دهد و وسیله نقلیه فاقد بیمه نامه باشد ثانیاً: حادثه منجر به خسارت بدنی گردد ثالثاً: اگر راننده مالک خودرو نیست وسیله نقلیه با اذن مالک در اختیار او قرار گرفته باشد اگر راننده در اثر سرقت یا غصب یا عناوین دیگر بدون اذن از خودروی فاقد بیمه نامه استفاده کند و حادثه ای رخ دهد برای مالک محکومیت جزای نقدی بشرح مذکور وجود نخواهد داشت

ب: ضمانت اجرای مدنی: عدم تحصیل بیمه نامه ثالث مسئولیت های غیر کیفری هم بدنبال دارد که عبارتند از:

۱- جلوگیری از تردد وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه: این مسئولیت حتی برای وسایل نقلیه ای که از خارج وارد ایران می شوند نیز وجود دارد همچنین دارندگان وسیله نقلیه ایرانی که از کشور خارج می شوند باید هنگام خروج، بیمه نامه شخص ثالث داشته باشند (ماده ۷ قانون بیمه اجباری) بنابراین دارندگان خودروی فاقد بیمه نامه ملزم به تحصیل بیمه نامه می شوند و با اخذ بیمه نامه ثالث امکان تردد و رفع توقیف خودرو را می یابند

۲- پرداخت خسارت: اگر خودرو فاقد بیمه نامه ثالث باشد و راننده مسبب حادثه باشد باید خسارات بدنی و مالی را شخصاً جبران نماید. البته به منظور حمایت از زیان دیدگان، در قانون صندوقی تحت عنوان «صندوق تامین خسارت های بدنی» پیش بینی شد که زیان دیدگان برای جبران خسارات بدنی می تواند بجای رجوع به راننده عامل حادثه به این صندوق مراجعه نماید (ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری). این صندوق پس از پرداخت خسارت به قائم مقامی به راننده مسئول مراجعه می کند (بند الف ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری). در این مورد یادآوری دو نکته ضروری است:

اول: صندوق تامین خسارت همانگونه که از نام آن پیداست خسارت بدنی را پرداخت می کند و زیان دیده برای دریافت خسارت مالی خود صرفاً می تواند به راننده مسوول حادثه مراجعه نماید.

دوم: چنانچه مالک خودرو، راننده آن نباشد مسئولیتی در قبال پرداخت خسارت بدنی و مالی زیان دیده ندارد و این مسئولیت متوجه خود راننده است. بنابراین اگر راننده ای با خودروی دیگری که فاقد بیمه نامه است رانندگی کند و تصادف نماید و در برابر اشخاص ثالث محکوم به پرداخت خسارت گردد نمی تواند به مالک رجوع نموده و ادعا نماید که اگر اتومبیل را بیمه می کردی شرکت بیمه خسارت را می پرداخت و من مجبور نبودم جوابگوی زیان دیده (یا صندوق تامین خسارت بدنی) باشم. علت عدم مسئولیت مالک در این فرض این است که بین بیمه نکردن خودرو و تخطی راننده رابطه سببیت وجود ندارد. در این مورد به ذکر رأی شماره ۳۰۶-۱۹/۳/۱۳۸۶ صادره از شعبه ۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران که در مقام تایید رأی شعبه ۲۱۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران صادر شده است می پردازیم:

رأی دادگاه

تجدید نظر خواهی آقای هادی..... به طرفیت شرکت تعاونی مسافربری شماره ۱۶ و آقای تقی نسبت به دادنامه شماره ۸۷۶-۸۵/۹/۲۸-۸۷۶ صادر شده از شعبه ۲۱۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب آن حکم به رد دعوای نامبرده به خواسته مطالبه خسارت ناشی از بیمه نکردن اتوبوس شماره..... که به لحاظ وقوع تصادف،

نامبرده متحمل پرداخت دیه گردیده به لحاظ عدم احراز توجه مسئولیت جبران خسارت به تجدید نظرخوانندگان صادر گردیده متضمن علل و جهاتی نیست که مستلزم نقض دادنامه یاد شده باشد و دادنامه مذکور با توجه به محتویات پرونده و رعایت مقررات صادر شده و محکومیت نامبرده به پرداخت دیه بر اساس حکم دادگاه حکایت از احراز مسئولیت قانونی وی داشته و مطالبه خسارت مذکور از تجدید نظر خوانندگان که تقصیری در وقوع خسارت نداشته اند محمل قانونی ندارد و تکلیف قانونی نامبرندگان به این که اتوبوس مذکور را بایستی تحت پوشش بیمه ثالث کامل قرار می داده اند و به تکلیف عمل نکرده اند موجب تسری مسوولیت جبران خسارات ناشی از تصادفی که در اثر بی احتیاطی شخص تجدید نظر خواه به وقوع پیوسته است نمی شود لذا با رد اعتراض دادنامه تجدید نظر خواسته را طبق ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی تایید می نماید^۱

۳- ممنوعیت دادن باز یا مسافر و هرگونه خدمات از سوی شرکت ها و موسسات حمل و نقل و سایر نهادهای مرتبط (مواد ۴۵، ۴۴ و ۴۶ قانون بیمه اجباری)

۴- منع صدور کارت سوخت (ماده ۴۸ قانون بیمه اجباری)

تعهدات بیمه گذار در بیمه اجباری شخص ثالث

دارندگان وسائل نقلیه موتوری زمینی مطابق مقررات بیمه اجباری دارای تعهداتی هستند که به تبیین آن ها می پردازیم. جدای از تعهد به اخذ بیمه نامه به عنوان تکلیف، اصلی تعهدات بیمه گذاران یا مالکان خودرو عبارت است از: ۱- رعایت حداقل میزان بیمه ۲- تعهد دارنده اتومبیل به اخذ بیمه نامه حوادث راننده

۱- رعایت حداقل میزان بیمه: براساس ماده ۸ قانون بیمه اجباری حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت بدنی معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه های حرام است

۱- میزان دیه: در ابتدای هر سال شمسی رئیس قوه قضائیه و براساس نظر مقام رهبری میزان دیه کامل را بر اساس معیارهایی شرعی معین می نماید میزان دیه در ماه حرام و سایر ماهها متفاوت است. مطابق ماده ۵۵۵ ق، مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی علیه هر دو در ماه های حرام (محرم، رجب، ذی القعدة و ذی الحجه) یا در محدوده حرم مکه، واقع شود خواه جنایت عمدی خواه غیر عمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک سوم دیه نیز افزوده می گردد. سایر مکان ها و زمان های مقدس و متبرک مشمول حکم تغلیظ دیه نیست»

^۱ -نقل دادنامه از «رویه قضایی دادگاه های استان تهران در امور مدنی -اجرت المثل، خسارت» تدوین محمدرضا زندی ص ۲۰۳ و ۲۰۴

این ماده، ماه های حرام را معین می کند همچنین یادآوری می گردد که جهت تغلیظ دیه به میزان یک سوم ضروری است که هم حادثه و هم فوت هر دو در ماه حرام باشد بنابراین اگر کسی در ماه رجب که ماه حرام است دچار سانحه رانندگی شود و در اثر همان حادثه در ماه شعبان (که ماه حرام نیست) فوت نماید تغلیظ دیه صورت نمی گیرد.

علاوه بر اینکه زمان در تغلیظ یا عدم تغلیظ دیه تاثیر گذار است مکان هم موثر است بدین نحو که اگر رفتار کسی منتهی به فوت شخص دیگر در محدوده حرم مکه شود صرفنظر از اینکه در چه ماهی اتفاق افتاده است از موارد تغلیظ دیه است

البته رسیدگی به حوادث فوت واقع در محدود حرم اصولاً توسط محاکم کشور عربستان صورت می گیرد ولی در موارد استثنائی ممکن است در ایران رسیدگی شود. چنانچه دیه را جرم ندانسته و آن را جبران خسارت بدانیم و اقامتگاه مقصر در ایران باشد ممکن است در محاکم ایران مطالبه شود

همچنین مطابق ماده ۷ قانون مجازات اسلامی هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، تحت شرایطی طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می شود. پس اگر یک ایرانی مثلاً در ماه شوال در اثر بی احتیاطی موجب قتل یک ایرانی دیگر در حرم مکه گردد یک سوم به دیه مقرر اضافه می شود و از موارد تغلیظ دیه است

تغلیظ دیه در تمام موارد قانونی جاری است. خواه متوفا زن باشد یا مرد، بالغ باشد یا عاقل، مدیون دیه عامل حادثه باشد یا عاقله یا بیت المال. حتی اگر قتل عمدی به علت عدم امکان قصاص یا عدم جواز آن به دیه تبدیل شود نیز تغلیظ صورت می گیرد (ماده ۵۵۶ ق. مجازات اسلامی)

همچنین از آنجا که براساس ماده ۵۵۴ ق. مجازات اسلامی و مطابق نظر حکومتی مقام رهبری، دیه جنایت بر اقلیت های دینی معادل دیه مسلمان تعیین می شود باید گفت که دیه آنان نیز در ماه حرام مشمول تغلیظ می گردد.

لازم به ذکر است براساس ماده ۵۵۷ ق. مجازات اسلامی «تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس است و در جنایت برای اعضاء و منافع جاری نیست.»

۱-۲- میزان تعهد مالی بیمه گذار

حداقل مبلغ بیمه موضوع قانون بیمه اجباری در بخش خسارت مالی معادل دو نیم درصد تعهدات بدنی است (ماده ۸ قانون) بیمه اجباری البته بیمه گذار می تواند بیش از حداقل مزبور در زمان صدور بیمه نامه یا پس از آن در چهار چوب ضوابط کلی بیمه مرکزی بیمه تکمیلی و مضاعف بر ۲/۵ درصد تحصیل کند. بنابراین

با توجه به اینکه در سال ۱۳۹۶ دیه کامل مرد مسلمان در ماه حرام ۲۸۰ میلیون تومان است ۲/۵ درصد این مبلغ ۷ میلیون تومان می شود. پس در سال ۹۶ وسائل نقلیه موتوری باید حداقل ۷ میلیون تومان بیمه خسارات مالی داشته باشند این ۲/۵ درصد بابت کل خسارات اشخاص ثالث است نه اینکه اگر زیان دیدگان مالی چند نفر باشند به ازای هر نفر ۲/۵ درصد (۷ میلیون تومان در سال ۹۶) خسارت پرداخت شود خسارت بدنی را نمی توان بیشتر از دیه کامل بیمه نمود و به نحوی که توضیح داده خواهد شده نیازی هم به این کار نیست ولی بیمه خسارات مالی را می توان در حدود ضوابط بیمه مرکزی افزایش داد. و ضرورت هم دارد. زیرا ممکن است عامل حادثه به خودرو طرف مقابل مثلاً ۲۰ میلیون تومان خسارت وارد کرده باشد در اینجا فقط ۷ میلیون تومان را بیمه گر ثالث می پردازد و مابقی باید توسط عامل حادثه پرداخت شود مگر اینکه بیمه نامه اضافی تحصیل شده باشد.

۱-۳ - میزان تعهد مالی راننده مسئول حادثه:

در قانون جدید بیمه اجباری قانونگذار برای میزان مسئولیت راننده در خسارات مالی سقف معینی تعیین کرده است بدین نحو که مطابق تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری «خسارت های ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران ترین خودروی متعارف از طریق بیمه نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود.»

از آنجا که حوادث رانندگی متأسفانه زیاد است و ممکن است با خطای کوچکی خسارات هنگفتی به بار آید مسئولیت مدنی مقصر حادثه محدود به سقف معینی گردیده و مازاد بر آن توسط زیان دیده از بیمه گر یا مقصر حادثه قابل مطالبه نخواهد بود. تبصره ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خودروی متعارف را خودرویی می داند که قیمت آن کمتر از پنجاه درصد سقف تعهدات بدنی در سال باشد. به عنوان مثال در سال ۱۳۹۶ سقف تعهدات بدنی ۲۸۰ میلیون تومان است که پنجاه درصد این مبلغ ۱۴۰ میلیون تومان می شود اگر در این سال کسی با خودرویی گران قیمت تصادف کند که منتهی به سقوط یا آتش گرفتن یا خسارت دیگری به آن شود و ۲۰۰ میلیون خسارت مالی به بار آید زیان دیده می تواند تا سقف تعهدات شرکت بیمه (مثلاً ۷ میلیون تومان یا بیشتر از آن در صورتی که مالک بیش از حداقل مقرر قانونی بیمه کرده باشد خسارات را از بیمه گر راننده مقصر دریافت نماید و مازاد بر آن را تا ۱۴۰ میلیون تومان از شخص عامل حادثه وصول نماید. ولی خسارت باقی مانده (یعنی ۶۰ میلیون) تومان قابل مطالبه از آنها نخواهد بود. به عبارت دیگر در حوادث رانندگی قانونگذار مقصر حادثه را از مازاد بر قیمت خودروی متعارف معاف از مسئولیت مدنی دانسته است.

البته اگر راننده زیان دیده بیمه بدنه داشته باشد می تواند از بیمه اختیاری بدنه خودرو استفاده نموده و در چهار چوب ضوابط بیمه بدنه خسارت باقی مانده خود را دریافت نماید.

۲-تعهد دارنده خودرو به اخذ بیمه نامه حوادث راننده

در قانون جدید بیمه اجباری اخذ بیمه نامه حوادث راننده نیز اجباری شناخته شده است راننده ثالث محسوب نمی گردد(بند ت ماده ۱) واز پوشش بیمه ثالث بهره مند نمی گردد.ولی به منظور حمایت از او و در صورت فوت از وراث او بیمه حوادث راننده (که به نوعی بیمه شخص اول محسوب می شود) نیز الزامی می باشد. ماده ۳ قانون بیمه اجباری مقرر می دارد:«دارنده وسیله نقلیه مکلف است برای پوشش خسارت های بدنی وارد شده به راننده مسبب حادثه، حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیر حرام،بیمه حوادث اخذ کند،مبنای محاسبه میزان خسارت قابل پرداخت به راننده مسبب حادثه،معادل دیه فوت و یا ارزش جرح در فرض ورود خسارت بدنی مرد مسلمان در ماه غیر حرام و هزینه معالجه آن می باشد.....»

۳-عدم تعهد بیمه گذار به اخذ الحاقیه

در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ بیمه گذار موظف به اخذ الحاقیه نیست (ماده ۸). بیمه گر یا صندوق تامین خسارت های بدنی حسب مورد مکلفند خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم الاداء بپردازند و در صورتی که خسارت بدنی زیان دیده بیشتر از تعهد بیمه گر باشد می تواند نسبت به مازاد پرداخت شده،به صندوق تامین خسارت های بدنی موضوع ماده ۲۱ به بعد قانون رجوع نماید (ماده ۱۳) لازم به ذکر است که صندوق تامین پس از پرداخت مقدار مازاد به راننده رجوع نمی کند (بند ۱ تبصره ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری)

تعهدات بیمه گر در قانون بیمه اجباری شخص ثالث

در قانون بیمه اجباری تعهداتی برای بیمه گر در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت پیش بینی شده است در قانون جدید تعهدات بیمه گر توسعه یافته و مصالح زیان دیدگان بیشتر لحاظ شده است.

۱-پرداخت یکسان خسارت بدون لحاظ جنسیت و مذهب

در قانون بیمه اجباری دیه زن و مرد و کافر و مسلمان در حوادث رانندگی یکسان می باشد.مطابق ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی دیه زن و مرد تا ثلث دیه کامل برابر است ولی هرگاه دیه زن از ثلث بیشتر شود (ازجمله در فوت)دیه زن نصف می شود. در مورد غیر مسلمانان باید دو دسته را ازهم تفکیک کرد. دیه اقلیت های مذهبی شناخته شده در قانون اساسی مطابق ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی و برمبنای حکم حکومتی مقام رهبری به اندازه دیه مسلمانان می باشد در مورد میزان دیه سایر ادیان غیر مسلمان در فقه اختلاف نظر وجود دارد.براساس یک دیدگاه دیه آنان ۸۰۰ درهم است(در حالیکه دیه مرد مسلمان ۱۰/۰۰۰ درهم است) بنابراین دیه کفار غیر اهل کتاب حدود ¹/₁₂ مرد مسلمان است.در حوادث رانندگی دیه زن و مرد

و کافر اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب برابر با دیه مرد مسلمان است لازم به ذکر است که کافر حربی دیه ندارد.

در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار در تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تامین خسارت های بدنی پرداخت می شود». بنابراین در صورتی که این ماده اجرائی شود با پرداخت تفاوت دیه زن و مرد توسط صندوق در مقام بیت المال این برابری در عمل به همه جنایات و حوادثی که مسئولی برای آن وجود دارد اعم از رانندگی و غیر رانندگی (نظیر حوادث ناشی از کار، درگیری و غیره) تسری می یابد.

۲- امکان پرداخت بیش از یک دیه به هریک از زیان دیدگان

تبصره ماده ۹ قانون بیمه اجباری بیان می کند: «در صورتی که در یک حادثه مسئول آن به پرداخت بیش از یک دیه به هریک از زیان دیدگان محکوم شود، بیمه گر مکلف به پرداخت کل خسارات بدنی است، اعم از این که مبلغ مازاد بر دیه، کمتر از یک دیه کامل یا بیشتر از آن باشد» ممکن است در اثر شدت جراحات وارده به شخصی که در قید حیات است بیش از یک دیه کامل تعلق گیرد در این وضعیت تعهد بیمه گرد از سقف یک دیه کامل ماه حرام فزونی می یابد و باید به زیان دیده پرداخت نماید. در این مورد شرکت بیمه به صندوق تامین خسارت های بدنی نیز رجوع نمی کند و جزء تعهدات بیمه ای شرکت های بیمه است.

۳- تعهد بیمه گر به پرداخت قیمت یوم الاداء

بیمه گر یا صندوق تامین خسارت های بدنی حسب مورد باید خسارات بدنی زیان دیده را به قیمت یوم الاداء پرداخت نمایند. از آنجا که مطابق ماده ۸ قانون جدید اخذ الحاقیه نیز لازم نیست در صورتی که خسارت بدنی که بیمه گر به زیان دیده پرداخت نموده بیشتر از تعهد مندرج در بیمه نامه باشد می تواند نسبت به مازاد پرداختی به صندوق تامین خسارت های بدنی رجوع نماید (ماده ۱۳ قانون بیمه اجباری).

مثلاً اگر شخصی در شهریور ۹۵ اتومبیل خود را بیمه نمود. در سال ۹۵ سقف تعهد بدنی در ماه حرام حدود ۲۵۳ میلیون تومان بوده است حال اگر این شخص در ماه رجب ۹۶ (که در ۲ ماه اول سال واقع است) تصادف نماید و موجب فوت شخص ثالث گردد از آنجا که دیه ماه حرام در سال ۹۶ به میزان ۲۸۰ میلیون تومان است. شرکت بیمه باید ۲۸۰ میلیون به ورثه متوفاً پرداخت نماید هرچند بیمه نامه راننده ۲۵۳ میلیون تومانی است. بیمه گر مابه التفاوت این دو رقم را از صندوق دریافت کند

۴- رعایت تناسب در پرداخت دیه در صورت عدم رعایت ظرفیت مجاز خودرو

یکی از تکالیف رانندگان رعایت ظرفیت مجاز خودرو در سوار کردن مسافر یا سرنشین می باشد چنانچه راننده ظرفیت مجاز را رعایت نکند مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه گر به نسبت زیان وارده بین زیان دیدگان تسهیم می شود. به عبارت دیگر شرکت بیمه در حدود تعهدات خود خسارت را بین همه زیان دیدگان سرشکن می کند. پس اگر راننده سواری به جای ۴ نفر، ۵ نفر مسافر سوار نماید. و اگر هر ۵ نفر فوت نماید شرکت بیمه دیه ۴ نفر را بین ورثه ۵ نفر تقسیم می کند. یعنی به هر کدام $\frac{4}{5}$ دیه قانون تعلق می گیرد. تعهد بیمه گر در حد ظرفیت مجاز خودرو است.

در همین مثال اگر ۳ نفر صدمه جزئی ببینند و ۲ نفر فوت کنند دیه همه را می پردازد زیرا مطابق بخشی از ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری: «در مواردی که به علت عدم رعایت ظرفیت مجاز وسیله نقلیه، مجموع خسارات بدنی زیان دیدگان وسیله نقلیه مقصر حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ مورد تعهد بیمه گر به نسبت خسارت وارده به هر یک از زیان دیدگان بین آنان تسهیم می گردد...»

زیان دیدگان ما به التفاوت خسارت بدنی را می توانند از مسبب حادثه (راننده مقصر) یا صندوق تامین خسارت های بدنی دریافت نمایند. در صورت مراجعه به صندوق تامین به این مرجع به جهت بازیافت خسارت به عامل حادثه مراجعه می کند. مبنای حکم قانونگذار در اعطای اختیار به زیان دیده (یا ورثه او) در رجوع به صندوق این است که با توجه به توانمندی مالی صندوق زیان دیده به آسانی بتواند خسارت خود را دریافت نماید ولی راننده مقصر ممکن است معسر باشد مشکلات ناشی از ناتوانی مالی راننده یا پرداخت با تاخیر بر صندوق تحمیل می شود نه به زیان دیدگان حوادث رانندگی.

لازم به ذکر است اطفال زیر دو سال و جنین داخل وسیله نقلیه به ظرفیت مجاز خودرو اضافه می شود و در صورت بروز خسارت بدنی شرکت بیمه مکلف به پرداخت کل خسارات وارده به آنان و سایر زیان دیدگان است و در این حالت رعایت تناسب در کاهش زیان صورت نمی گیرد مثلاً راننده ای ۴ نفر مسافر بعلاوه یک کودک زیر دو سال سوار نموده است. یکی از مسافران زن نیز حامل است در صورت بروز حادثه کل زیان ۶ نفر پرداخت می شود هرچند که ظرفیت مجاز خودرو ۴ نفر است (قسمت اخیر ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری)

۵- قلمرو تعهد بیمه گر در قبال زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه:

سوالی که مطرح می شود این است که آیا مسئولیت بیمه گر در ارتباط با زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه ، همانند زیان دیدگان داخل وسیله نقلیه نیز محدود است یا سقف معینی ندارد؟ در مورد بیمه گر قانون

جدید بیمه اجباری مسئولیت شرکت های بیمه را محدود کرده است به این نحو که تعهد بیمه گر ده برابر سقف تعهدات بدنی است در مواردی که مجموع خسارات بدنی خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه گر به نسبت خسارت بین زیان دیدگان تسهیم می شود و ما به التفاوت آن توسط صندوق تامین خسارت های بدنی پرداخت می شود (تبصره ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری)

همانگونه که می دانیم در سال ۱۳۹۶ که سقف تعهدات بدنی شرکت های بیمه بابت هر نفر ۲۸۰ میلیون تومان است. اگر در حادثه ای تعدادی آسیب ببینند که از ده برابر این رقم (یعنی دو میلیارد دو هشتصد میلیون تومان) تجاوز نماید شرکت بیمه با رعایت اصل تناسب خسارت را می پردازد و بقیه از صندوق تامین خسارت های بدنی وصول می شود ذکر چند مثال ابعاد این حکم را بیشتر روشن می سازد.

مثال اول: چنانچه در یک حادثه ای عده ای خارج از وسیله نقلیه آسیب ببینند و ۵ نفر فوتی و ۵ نفر آسیب دیده شدید وجود داشته باشد که به هر کدام سه دیه کامل تعلق گرفته باشد. در این مثال زیان دیدگان ۱۰ نفر هستند ولی خسارت بدنی معادل ۲۰ دیه کامل در ماه حرام است (۵ دیه به ورثه متوفی و ۱۵ دیه کامل به آسیب دیدگان شدید). شرکت بیمه به هریک از آنان ۵۰ درصد دیه و یا خسارت بدنی را می پردازد و مابقی را می بایست از صندوق تامین خسارت های بدنی دریافت نمایند.

مثال دوم: خسارات بدنی کمتر از ده دیه کامل باشد (کمتر از $2/800/000/000$ در سال ۹۶ تومان باشد) در اینجا بیمه گر می بایست کل خسارات اشخاص را پرداخت نماید. هر چند پیش از ۱۰ نفر باشند زیرا از سقف تعهدات بدنی او فراتر نرفته است.

مبناء تبصره ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری در محدود کردن مسئولیت بیمه گران این است بیمه گر با محاسبه خطر می بایست تا سقف معینی مسئولیت داشته باشد که منتهی به تعهدات نامتعارف و ورشکستگی او نگردد.

سوال دیگری که مطرح می شود این است که در صورتی که میزان خسارت بدنی زیان دیدگان وسائل نقلیه خارج از سقف بیش از ده برابر سقف تعهدات بدنی در هر سال باشد و صندوق تامین مابه التفاوت را بپردازد آیا صندوق حق رجوع به راننده مقصر را دارد مطابق بند ۳ تبصره ۱ ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری در این مورد صندوق حق رجوع به عامل حادثه را ندارد. بنابراین نسبت به زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه از حیث جبران خسارت بدنی راننده نگرانی نخواهد داشت و با هر تعداد زیان دیده توسط بیمه گر یا صندوق جبران صورت می گیرد.

لازم به ذکر است که در تصادف دو وسیله نقلیه که یکی از آنها مقصر باشد زیان دیدگان وسیله نقلیه ای که مقصر نیستند خارج از وسیله نقلیه محسوب می شوند بنابراین اگر کامیونی موجب انحراف یک دستگاه

اتوبوس از مسیر خود گردد و تعداد ۱۵ نفر فوت نمایند. و راننده کامیون مسئول شناخته شود اگر این حادثه در ماه حرام باشد. ۱۰ دیه کامل را شرکت بیمه با رعایت اصل تناسب به ورثه ۱۵ نفر می پردازد و ۵ دیه فوت را صندوق تامین می پردازد.

تعهد ریالی بیمه گر در این مورد تا ده برابر سقف تعهدات بدنی با رعایت تبصره ماده ۹ و ماده ۱۳ قانون صورت می گیرد. تبصره ۹ ناظر به موردی است که در یک حادثه راننده به پرداخت بیش از یک دیه به هر یک از زیان دیدگان محکوم شود. که این هم در سقف تعهدات بیمه گر در پرداخت خسارت به زیانندگان خارج از وسیله نقلیه لحاظ می شود ماده ۱۳ نیز می گوید که بیمه گر باید دیه را یوم الاداء پرداخت کند که چنانچه افزایش تعهد بیمه گر به نرخ روز ناشی از تاخیر او باشد بر تعهدات شرکت بیمه افزوده می شود و بر عهده بیمه گر است و اگر پرداخت بیش از تعهد ناشی از تاخیر او نباشد (مثل موردی که بیمه نامه خودرو برای سال قبل بوده و الحاقیه هم لازم نیست) بیمه گر نسبت به مازاد صندوق رجوع می کند. بنابراین در رعایت تناسب پرداخت خسارت توسط بیمه گر باید به قیمت روز و تعلق بیش از یک دیه به هر نفر (در صورت وجود شرایط) توجه نمود.

۶- پرداخت هزینه معالجه اشخاص ثالث زیان دیده و راننده میزان حادثه

براساس ماده ۳۵ قانون جدید بیمه اجباری هزینه های معالجه اشخاص ثالث زیان دیده و راننده مسبب حادثه در صورتی که مشمول قانون دیگری نباشد حسب مورد بر عهده بیمه گر مربوط یا صندوق تامین است. لازم به ذکر است مطابق ماده ۳۰ قانون الحاق برخی از مواد به قانون تنظیم مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳، وزارت بهداشت موظف است اقدامات لازم برای درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومان حوادث رانندگی را در همه واحدهای درمان دولتی و غیر دولتی به عمل آورد. برای تامین بخشی از منابع لازم جهت بهداشت خدمات درمانی به این مصدومان معادل ده درصد (۱۰٪) از حق بیمه پرداختی شخص ثالث و حوادث راننده به نام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واریز می شود. مشابه این حکم در بند ب ماده ۳۷ قانون برنامه پنج ساله نهم توسعه (مصوب ۱۳۸۹) نیز پیش بینی شده بود.

عملاً پرداخت هزینه معالجه موضوعیت پیدا نمی کند زیرا زیان دیدگاه یا مشمول بیمه دیگری هستند و یا توسط وزارت بهداشت درمان می شوند و بندرت یافت می شود که دارویی را خارج از مراکز بهداشتی تهیه نمایند بعلاوه مشمول بیمه دیگری نیز نباشند.

رجوع بیمه گر به مسئول حادثه

بیمه گر در مواردی می تواند برای استرداد خسارت به مسئول حادثه (که عموماً همان راننده مقصر است) رجوع نماید موارد رجوع به دو دسته رجوع جزئی و رجوع کلی تقسیم می شود:

۱- رجوع جزئی: در مواردی بیمه گر پس از پرداخت خسارت به زیان دیده در تخلفات حادثه ساز بشرح زیر به مسبب حادثه رجوع می کند(ماده ۱۴ قانون بیمه اجباری):

اولین حادثه: ۲/۵ درصد خسارت بدنی و مالی

دومین حادثه: ۵ درصد خسارت بدنی و مالی

سومین حادثه و بعد از آن: ۱۰ درصد خسارت بدنی و مالی

رجوع جزئی بیمه گر ویژه تخلفات حادثه ساز است در تخلفات غیر حادثه ساز یا همان حوادث ناشی از تخلفات معمولی رجوعی صورت نمی گیرد

مصادیق و عناوین تخلفات پرخطر و حادثه ساز به موجب ماده ۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ تعیین می شود که در حال حاضر به بشرح زیر است:

ردیف	عنوان تخلف رانندگی	ردیف	عنوان تخلف رانندگی
۱	هرگونه حرکات نمایشی مانند دور زدن در جا و یا حرکت موتور سیکلت بر روی یک چرخ	۱۱	عبور وسایل نقلیه از پیاده رو
۲	تجاوز از سرعت مجاز(بیش از ۵۰ کیلومتر در ساعت)	۱۲	عدم رعایت حق تقدم عبور
۳	سبقت غیر مجاز در راه های دو طرفه	۱۳	دور زدن در محل ممنوع
۴	عبور از چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی	۱۴	استفاده از تلفن همراه یا وسایل ارتباطی مشابه در حین رانندگی در سرعت بالای ۶۰ کیلومتر
۵	حرکت به طور مار پیچ	۱۵	نقص فنی موثر یا نقص در سامانه(سیستم) روشنایی در شب
۶	حرکت با دنده عقب در آزاد راه ها و بزرگراه ها	۱۶	عدم رعایت مقررات ایمنی حمل و نقل جاده ای مواد خطرناک
۷	رانندگی در حالت مستی و مصرف داروهای روان گردان و یا افیونی	۱۷	رانندگی با وسایل نقلیه عمومی بیش از زمان مجاز
۸	تجاوز از سرعت مجاز(بیش از ۳۰ تا ۵۰ کیلومتر در ساعت)	۱۸	عدم رعایت شرایط مندرج در گواهینامه از قبیل استفاده از عینک، سمعک یا تجهیزات خاص
۹	عبور از محل ممنوع	۱۹	عدم توجه به فرمان ایست یا پرچم مراقبین عبور و مرور محصلین یا پلیس مدرسه
۱۰	تجاوز به چپ از محور راه	۲۰	عدم رعایت مقررات حمل بار

۲- رجوع کلی: در مواردی بیمه گر پس از پرداخت خسارت زیان دیده صد درصد خسارت پرداخت شده را از مسبب حادثه مسترد می کند. از یک سو خسارت زیان دیده پرداخت می شود تا او با ناتوانی مالی و

بد حسابی و سایر مشکلات مربوط به مسئول حادثه مواجه نشود، از سوی دیگر به علت اینکه مسئولیت راننده یا عامل حادثه در این موارد خاص تحت پوشش و حمایت بیمه ای قرار نمی گیرد و بیمه گر به او رجوع می کند طبق ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری مواردی که زیان دیده بر قائم مقامی از زیان دیده برای بازیافت وجه پرداخت شده به مسئول حادثه رجوع می کند عبارتند از:

۱- عمد راننده در ایجاد حادثه ۲- رانندگی در حال مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان که موثر در وقوع حادثه باشد ۳- راننده فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد ۴- سارق بودن راننده یا آگاه نبودن راننده از مسروقه بودن وسیله نقلیه.

در موارد رجوع کلی چنانچه حادثه در حین آموزش رانندگی توسط مراکز مجاز یا آزمون اخذ گواهینامه رخ دهد خسارت پرداخت شده به وسیله شرکت بیمه از آموزش گیرنده یا آزمون دهنده قابل استرداد نخواهد بود (تبصره ۳ ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری). بنابراین هر چند شخصی که در حال تعلیم رانندگی است هنوز گواهینامه نگرفته است همچنین شخصی که در حال امتحان اخذ گواهینامه است فاقد گواهینامه است ولی مشمول راننده بدون گواهینامه محسوب نگردیده و شرکت بیمه حق بازیافت خسارت پرداخت شده را ندارد.

صندوق تأمین خسارت های بدنی

صندوق تأمین خسارت های بدنی صندوق مستقلی است که به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه و جبران خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث پیش بینی شده است. این صندوق از زمان قانون بیمه اجباری سال ۱۳۴۷ هم وجود داشته است ولی در عمل چندان فعال نبوده و حدود تعهدات آن محدود بوده است ولی در قانون جدید میزان تعهد صندوق معادل شرکت های زیان های بیمه گر است. تعهد صندوق صرفاً در حوزه خسارت بدنی است و در مورد خسارات مالی هیچ تعهدی ندارد. همچنین در مورد خسارت وارده به شخص راننده مقصر، صندوق حتی تعهد پرداخت زیان های جانی ندارد. مسائل مربوط به صندوق را به طور مختصر بررسی می نمائیم:

موارد پرداخت خسارت توسط صندوق تأمین (ماده ۲۱ قانون اجباری)

۱- فقدان یا انقضای بیمه نامه شخص ثالث

۲- شناخته نشدن مسبب حادثه

۳- کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ دیه (بیمه نامه برای سال قبل است و با توجه به عدم لزوم الحاقیه حادثه در سال بعد اتفاق افتاده است)

۴- لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا ورشکستگی بیمه گر (صندوق تعهدات بیمه گری که پروانه اش لغو شده یا ورشکست گردیده را انجام می دهد)

۵- بطلان قرار داد بیمه و بطور کلی خسارت های بدنی که ناشی از تعهدات بیمه گر نباشد (بجز موارد مذکور در ماده ۱۷ که اساساً از شمول بیمه موضوع قانون خارج است)

بنابراین اگر فردی با کسی تصادف نماید و راننده متواری گردد و شناخته نشود در چنین فرضی نباید تصور کنیم که دیگر هیچ راه چاره ای برای جبران زیان نخواهیم داشت بلکه زیان دیده و در صورت فوت او، ورثه وی را به مراجعه به صندوق ماده ۱۰ ارشاد نمائیم ، که این صندوق در مواردی که در صلاحیتش می باشد دیه وارث می پردازد

در مراجعه به صندوق تأمین خسارتهای بدنی مدارک مورد نیاز اعلام شده از سوی صندوق نظیر، گزارش حادثه باید ارائه شود. در صورت امتناع صندوق از پرداخت خسارت و اقامه ی دعوا پس از انجام دادرسی ، چنانچه دادگاه تشخیص دهد از موارد قانونی پرداخت خسارت توسط صندوق است، صندوق را به پرداخت خسارت وارده محکوم می نماید .

صندوق تأمین پس از جبران ضرر به مسئول حادثه رجوع می کند در برخی موارد مانند زمانی که راننده ناشناس مانده است ، امکان رجوع برای صندوق به عامل ورود زیان وجود ندارد ، اما در مواردی مثل نداشتن بیمه نامه ، صندوق پس از پرداخت خسارت یا خسارات برای مطالبه ی آنچه که داده است به عامل ورود زیان رجوع خواهد کرد .

میزان تعهد صندوق :

قانون جدید در مورد قبولی در میزان تعهدات صندوق از یک سو و تأمین منابع مالی کافی برای صندوق از سوی دیگر توجه لازم به عمل آورده است و صندوق تأمین را ، یکی از مهم ترین ابزار جبران خسارت تبدیل نموده است.

در حقیقت به موجب تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون جدید « میزان تعهدات صندوق برای جبران خسارت های بدنی معادل مبلغ مقرر در ماده ۸ این قانون با رعایت تبصره ماده ۹ و مواد ۱۰ و ۱۳ این قانون است بنابراین میزان تعهد صندوق عیناً همان میزان تعهد بیمه گر است .

منابع مالی صندوق تأمین (ماده ۲۴ قانون)

منابع در آمدی صندوق عبارتند از:

۱-۸ درصد حق بیمه اجباری

۲-۲۰ درصد از جریمه های وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور

۳-۲۰ درصد کل هزینه ای دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه و تعزیرات حکومتی

۴-مبلغ بازیافتی یا استرداد شده از مسببان حادثه (در مواردی که صندوق حق رجوع دارد)

۵-سایر منابع (مثل جریمه بیمه نکردن خودرو مذکور در بند ب ماده ۴ و بند ب ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری)

موارد رجوع صندوق تامین خسارت های بدنی به قائم مقامی به مسبب حادثه (ماده ۲۵ قانون)

در موارد زیر صندوق پس از جبران زیان های بدنی اشخاص ثالث به مسئول حادثه رجوع می کند:

۱-پرداخت خسارت به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه ثالث یا بطلان آن

۲-پرداخت خسارت به علت شناخته نشدن راننده: در صورتی که متعاقباً شناسایی شود حسب مورد به مسبب حادثه یا بیمه گر وی رجوع می شود

۳-پرداخت خسارت به سبب خارج از ظرفیت بودن سر نشینان داخل وسیله نقلیه مسئول حادثه (موضوع ماده ۱۲ قانون)

در موارد فوق صندوق به راننده مقصر یا عامل حادثه رجوع می کند. لازم به ذکر است در صورتی که پرداخت خسارت به سبب تعلیق یا لغو پروانه یا ورشکستگی بیمه گر باشد صندوق به بیمه گر و مدیران آن رجوع خواهد کرد (بند ب ماده ۲۵)

موارد عدم رجوع صندوق به مسبب حادثه

۱- کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ دیه (مطابق ماده ۸ مالکان خودرو و نیاز به گرفتن الحاقیه ندارند چنانچه پرداخت خسارت بدنی مازاد بر تعهد بیمه گر باشد از صندوق قابل مطالبه است و صندوق حق بازیافت از راننده مسئول را ندارد)

۲-تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم ورشکستگی بیمه گر(در این مورد صندوق نمی تواند به راننده رجوع کند ولی حق رجوع به بیمه گر یا مدیران آن را دارد)

۳- در مواردی که زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف تعهدات بیمه گر باشد (موضوع تبصره ماده ۱۲) در این حالت هم تا ده برابر سقف تعهدات بدنی توسط بیمه و مازاد آن توسط صندوق بدون حق رجوع تامین می شود)

موارد خارج از شمول بیمه (ماده ۱۷ قانون بیمه اجباری) :

مطابق ماده ۱۷ قانون مواردی خارج از شمول قانون بوده و بیمه گر و صندوق تامین خسارت های بدنی مسئولیتی ندارد در این موارد عامل حادثه یا خود راننده مسئول است این موارد عبارتند از

۱) خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه :

چنانچه در اثر حادثه رانندگی به خود وسیله ی مسبب حادثه خسارت وارد شود ، برای جبران این خسارات ، بیمه ی ثالث مسئولیتی ندارد و جبران این خسارت به واسطه ی بیمه ی بدنه اتومبیل که یک بیمه ی اختیاری است صورت می گیرد و چنانچه وسیله ی مذکور فاقد چنین بیمه ای باشد ، ناگزیر جبران خسارت باید توسط خود فرد صورت بگیرد .

۲) خسارات مستقیم و یا غیر مستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو :

خساراتی از این قبیل هم قابلیت مطالبه از بیمه را ندارد . به عنوان مثال اگر در طریق انتقال مواد اتمی از نیروگاه های مربوط برای وسیله ی نقلیه ی حامل این مواد اتمی حادثه ای اتفاق بیفتد و منجر به خسارت شود ، جبران این خسارات نیز از زمره ی تعهدات بیمه گر خارج است و دلیل این عدم تعهد بیمه نسبت به این دسته از خسارات ، میزاد بالای خسارات به بار آمده می باشد .

۳) جریمه یا جزای نقدی ۰۰

در حوادث رانندگی ، گاهی " راننده از جهت جنبه عمومی جرم به حبس و یا جزای نقدی برای فرد متخلف منتهی می شود که جبران این جزای نقدی و یا جزای نقدی بدل از حبس در زمره ی تعهدات بیمه نمی باشد و منطق نیز حکم می کند که جریمه و مجازات جنبه بازدارنده داشته و متخلف تنبیه شود چنین خساراتی را باید فرد متخلف بپردازد .

۴- اثبات قصد زیان دیده در ایراد صدمه به خود و نیز اثبات هر نوع خدعه و تبانی نزد مراجع قضایی

چنانچه زیان دیده با وسیله نقلیه به خود آسیبی برساند و یا اینکه زیان دیده مرتکب تدلیس گردد نظیر اینکه به طور غیر واقع راننده دارای بیمه نامه را عامل حادثه معرفی نماید در حالیکه مسئول حادثه شخص دیگری است که فاقد بیمه نامه یا فاقد گواهینامه بوده از تعهدات بیمه گر خارج است.

در این موارد باید مسئول حادثه شخصاً خسارت وارده را متحمل شود.

مطلع کردن بیمه گر یا صندوق تأمین به دادرسی :

یکی از مهم ترین مزایای قانون جدید ، تکلیف دادگاه به دعوت بیمه گر یا صندوق تأمین خسارت های بدنی است این موضوع در ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری به آن تصریح شده است .

این ماده شامل دادرسی کیفری هم می شود . البته لازم به ذکر است که این نمایندگان در تحقیقات مقدماتی نزد دادیار یا باز پرس در دادسرا حاضر نمی شوند و در جلسه رسیدگی در دادگاه حضور پیدا می کنند .

در حقوق ما قریب به اتفاق اختلافات مربوط به جبران خسارات بدنی در دادرسی های در دادرسی های کیفری مورد قضاوت قرار می گیرد اما در ۲ مورد به جای دعوا کیفری از طریق ارائه شکوائیه ، دعوتی مدنی مطرح می شود :

(۱) در صورت عدم توافق بین طرفین چنانچه خسارت بدنی نباشد و تنها خسارت مالی ایجاد شده باشد ، باید دادخواست حقوقی داده شود .

(۲) و هم چنین در موردی که راننده ی مسئول حادثه فوت کرده باشد ، عملاً" امکان طرح دعوی کیفری وجود ندارد و اساساً" زیان دیده باید علیه وارثان او دادخواست مطالبه ی دیه طرح نماید

نکات تکمیلی در مورد مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی

۱- بیمه گر و صندوق مکلفند ظرف ۱۵ روز از دریافت مدارک مورد نیاز خسارت را پرداخت نمایند(ماده ۳ قانون بیمه اجباری) در غیر اینصورت و عدم رعایت تشریفات مقرر در ماده ۳۲ قانون و تبصره آن به پرداخت جریمه ای معادل نیم در هزار به ازای هر روز تاخیر در حق زیان دیده یا قائم مقام وی محکوم می شود (ماده ۳۳ قانون)

۲-مراجع قضائی مکلفند در دعاوی مربوط به حوادث رانندگی در صورت وجود بیمه نامه معتبر، صرفاً متناسب با جنبه عمومی جرم برای راننده قرار تأمین صادر کنند (ماده ۴۹ قانون) بنابراین برای جنبه خصوصی جرم به علت وجود بیمه نامه صدور قرار تأمین نظیر وثیقه برای جبران ضرر زیان دیده قانونی نیست

۳-در دعوی مطالبه خسارت در حوادث رانندگی خواهان زیان دیده یا قائم مقام اوست ولی خواننده دعوا با توجه به ماده ۴ قانون در فرضی که وسیله نقلیه بیمه نامه دارد با فرضی که بیمه نامه ندارد متفاوت است:

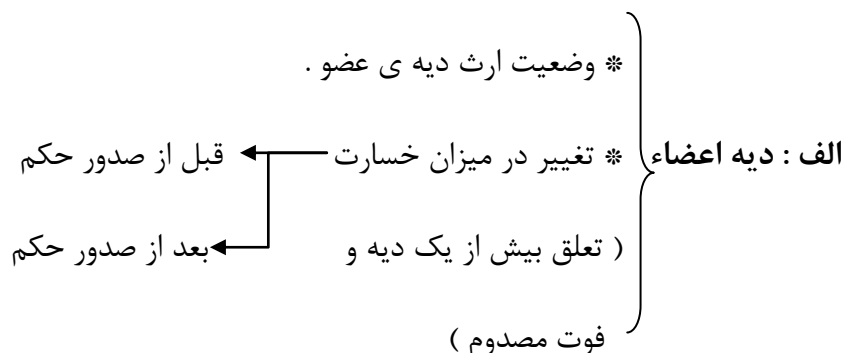
اگر خودرو بیمه نامه دارد خواننده بیمه گر و مسبب حادثه (راننده) قرار می گیرد و اگر وسیله نقلیه بیمه نامه ندارد خواننده صندوق تامین خسارت های بدنی و راننده مسبب حادثه است.

۴- چنانچه ۲ اتومبیل با یکدیگر برخورد نمایند و هر دو دارای بیمه نامه ی معتبر باشند و خسارت هم تنها از نوع خسارت های مالی باشد و میزان خسارت هم از ۲/۵ درصد تعهدات بدنی تجاوز نکند و بین طرفین اختلافی نیز وجود نداشته باشد، با مراجعه طرفین به بیمه بلافاصله و بدون کרוکی و بدون اقامه ی دعوا خسارت را پرداخت می کند. (ماده ۴۰ قانون بیمه اجباری)

البته عموماً طرح دعوا علیه بیمه گر یا صندوق تامین موضوعیت پیدا نمی کند در موارد استثنایی که اختلافی بروز نماید به تناسب مورد ممکن است که بیمه گر یا صندوق خواننده قرار گیرند

در هر حال حتی اگر مواردی که بیمه گر یا صندوق طرف مستقیم دعوا نیستند مراجع قانونی از قبیل دادسرا و دادگاهها مکلفند که آنها را از طرح دعوا علیه مسبب حادثه مطلع نموده، زمان تشکیل دادگاه را رسماً به آنان اطلاع دهند و نسخه ای از رای را به آنها ابلاغ نمایند (ماده ۵۰ قانون)

ارث دیه :



در مورد دیه اعضاء ، با توجه به این که خود فرد مصدوم در قید حیات می باشد خود دیه را دریافت می کند و این دیه جزء دارائی مصدوم است و چنانچه این فرد در آینده به هر نحوه فوت نماید بحث مربوط به ارث دیه عضو مطرح خواهد شد.

در این که دیه ی نفس به ارث می رسد هیچ شکی وجود ندارد اما در مورد به ارث رسیدن دیه ی عضو باید بر این اعتقاد بود که اگر حکم قطعی برای پرداخت دیه اعضاء صادر شده باشد وارث که قائم مقام عام قلمداد می شوند می توانند حکم صادره را اجرا نمایند و دیه به آنان می رسد..

ولی اگر کسی در اثر عمل دیگری مصدوم شده باشد ولی در رابطه با دیه حکمی صادر نشده باشد و مصدوم در اثر عامل دیگری مانند سگته ی مغزی فوت کند دیگر چیزی تحت عنوان دیه به ورثه او پرداخت نمی شود تا بین آنان تقسیم شود. بلکه ورثه تنها با اثبات خسارات واقعی مانند هزینه ی درمان و یا زائل گردیدن

منافع مسلم در فاصله ی صدمه و مرگ ، می توانند به قائم مقامی مودث آن خسارات را مطالبه نمایند و همانطور که گفته شد ورثه، دیه را (که معمولاً" مبلغش رقم بالاتری از خسارت وارده به آنان است) نمی توانند مطالبه کنند. برخی هم معتقدند در این حالت هم دیه عضو به ارث می رسد.

تغییر در میزان خسارت :

فرض مساله ان است که شخص بر اثر صدمات متعدد وارد شده مستحق چند دیه ی کامله باشد و سپس فوت نماید ، در این صورت ، حق وارث به چه میزان است ؟

فقیهان در پاسخ این سوال به این نتیجه رسیده اند که اگر در اثر جنایتی بمیرد که بیش از یک دیه ی کامل به مجنی علیه تعلق گرفته و او در اثر سرایت آن جنایت بمیرد فقط یک دیه ی کامل به اولیاء دم تعلق می گیرد و در فرض عکس نیز اگر در اثر جنایت ، کمتر از یک دیه ی کامل مجنی علیه تعلق بگیرد و او در اثر ان جنایت بمیرد ، یک دیه ی کامل به اولیاء دم تعلق می گیرد .

در حقوق امروز پاسخ به پرسش یاد شده به جهت ملاحظات مربوط به اعتبار امر قضاوت دشوار می شود ، ولی باید به یک تفکیک مبادرت ورزید :

اگر هیچ دعوائی مطرح نشده باشد و صدمه منجر به فوت شود بدون تردید وارث وی مستحق یک دیه ی کامل خواهند بود ، اما مطالبه خسارتی زاید بر آن تنها با اثبات واقعی خسارت امکان پذیر است . در این فرض اگر فوت ناشی از صدمه نباشد ، وارث تنها با اثبات واقعی خسارت ناشی از ورود صدمه ، استحقاق دریافت دیه را دارند .

اما اگر دعوا طرح شده باشد و حکم صادر شده اما موعده تجدید نظر آن باقی باشد ، از آنجا که مدارک جبران خسارت ، وضع فعلی زیان دیده است دادگاه تجدید نظر به هنگام صدور حکم کاهش خسارت را در نظر می گیرد ، اما پس از قطعی شدن حکم ، درخواست تجدید نظر به استناد کاهش بعدی خسارت با قاعده فراغ دادرسی و اعتبار امر قضاوت شده منافات دارد .

به نظر می رسد ، برای کاهش میزان دیه در این مورد ، تنها راه ممکن ، اعاده دادرسی است : بر اساس بند ۵ ماده ۲۷۲ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری ، در صورتی که پس از صدور حکم قطعی ، واقعه ای جدید حادث و یا ظاهر شود یا دلایل جدیدی ارایه شود که موجب اثبات بی گناهی محکوم علیه باشد اعاده دادرسی از احکام قطعی دادگاه ها امکان پذیر است . در واقع مرگ مجنی علیه در این فرض ، حدوث واقعه ای جدید است که برائت جزئی متهم را به اثبات می رساند .

اما در رابطه با افزایش خسارت صورت بگیرد ...

به عنوان مثال در اثر حادثه ای فرد ، مصدوم و دیه خود را دریافت می کند و فرد مصدوم مدتی بعد به دلیل همین جراحت ، جان به جان آفرین تسلیم می نماید در اینجا نیز چنانچه مهلت تجدید نظر خواهی باقی باشد ، ورثه ی متوفی می توانند تجدید نظر خواهی کنند اما اگر این فرصت به اتمام رسیده باشد ورثه این بار می توانند با استناد به بند ۷ ماده ۴۲۶ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی اعاده دادرسی نمایند این بند مقرر می دارد : « پس از صدور حکم ، استناد و مدارکی به دست آید که دلیل حقانیت در خواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک یاد شده در جریان دادرسی مکتوم بوده در اختیار متقاضی نبود است » .

*دیه ی فوت جزء اموال متوفی است یا ملک شخصی وارث ؟

ب : دیه ی نفس (فوت)

*آثار عملی این تفکیک

الف : تقسیم براساس قواعد ارث یا به تساوی!

ب : پرداخت دیون متوفی .

ج : ابراء مقصر توسط متوفا .

د : اعمال قواعد حاکم بر مالیات بر ارث .

آیا دیه ی نفس در شمار اموال متوفی محسوب می شود که با توجه به عدم امکان برخورداری خود متوفی از آن ، بنابر قواعد ارث ، بین وارث تقسیم می شود یا آنکه از اساس به خود مقتول تعلق ندارد و اصالتاً ملک شخصی وارث است ؟ در صورت اول ، دعوا وارث در مطالبه ی دیه دعوایی به قائم مقامی متوفی به حساب می آید . در حالت دوم ، دعوای آنها در مطالبه ی دیه دعوای شخصی است .

آثار عملی این تشخیص فراوان است مهمترین آنها عبارتند از :

(۱) اگر دیه ملک شخصی خود مقتول به حساب آید جزء ما ترک محسوب شده و بر اساس قواعد ارث میان وراثت تقسیم می شود : مثلاً " اگر فردی متوفی مرد باشد و وراثت او شامل دو فرزند و یک زوجه باشند به زوجه ¹/₈ با وجود فرزند خواهد رسید ، اما اگر دیه ی نفس را ملک شخصی وارث بدانیم دیگر نه بر طبق قواعد ارث بلکه باید بر طبق اصل (ماده ۱۵۳ قانون مدنی) به نحو تساوی تقسیم صورت بگیرد ، یعنی در مثال فوق زوجه که یکی از ۳ ورثه است ¹/₃ از دیه ی نفس زوج خویش را می برد .

(۲) اگر دیه از آن مقتول و نتیجتاً " جزء ما ترک باشد ، دیون متوفی باید از آن خارج شود و سپس به تصفیه ترکه اقدام گردد ، در حالیکه اگر مال شخصی ورثه به حساب آید دیون متوفی از آن خارج نخواهد شد چرا

که ورثه تکلیفی به پرداخت دیون متوفی ندارند و از آنجائی که اموال ورثه وثیقه ی دیون مورث نمی باشد طلبکاران متوفی نیز نمی توانند بر علیه وارث دادخواست مطالبه طلب بدهند .

۳) چنانچه دین جزء ما ترک متوفی باشد ، ابراء خود متوفی از دیه بر این مبنا که سبب طلب مربوط به دیه یعنی فعل موجد مسئولیت مدنی به وقوع پیوسته است صحیح خواهد بود اما اگر دیه را حق مستقیم ورثه بدانیم دیگر متوفی قبل از فوت نمی تواند مقصر را ابراء نماید و اگر این چنین نماید ، ابراء مقتول فضولی است .

۴) اگر دیه جزء اموال متوفی باشد ، قواعد مالیات بر ارث بر آن حاکم خواهد بود ، اما اگر متعلق به وارث باشد ، مشمول مالیات بر ارث نیست .

مشهور فقها و حقوقدانان معتقدند که دیه نفس جزء اموال میت است و در زمره دارائی های شخصی وارث قرار نمی گیرد بنابراین :

اولاً : تقسیم آن طبق قواعد عمومی ارث آن طبق قواعد عمومی ارث صورت می گیرد و نه به نسبت مساوی . **ثانیاً** : پس از مرگ مقتول ، ابتدا دیون متعلق به وی پرداخت می شود و سپس نوبت ابتدا به وصیت و نهایتاً مسئله ی ارث مطرح می گردد . (که از جمله دیون مرد مهریه زوجه است) . **ثالثاً** : فرد مقتول قبل از مرگ می تواند مقصر را از دیه فوت ابراء کند .

اما حتی اگر دیه ی نفس را زمره ما ترک متوفی به حساب بیاوریم ، با توجه به ماده ۲۴ قانون مالیات های مستقیم به دیه مالیات تعلق نمی گیرد . در همین راستا برخی از اساتید حقوقی معتقدند بهتر است دیه را جزو اموال شخصی وارث محسوب نمائیم که بنابر مصالحی از برخی جهات (اخراج دیون و وصایا و تقسیم بر حسب قواعد ارث) در حکم مال میت محسوب شده است نه از سایر جهات . در واقع محسوب کردن دیه به عنوان مال متوفی یک فرض قانونی یا مجاز حقوقی است و آثار این فرض به موارد مصرح در فقه محدود می شود . به همین دلیل است که ماده ی فوق دیه از مشمول مالیات بر ارث ندانسته است .

البته ایراداتی نیز به این نظر (که دیه ی فوت از اموال متوفی تلقی شود) وارد است از قبیل این مورد که بر طبق این مبنا که دیه بدل از قصاص باشد آنچه پس از فوت واجب می شود قصاص است نه دیه و دیه تنها با تراضی ایجاد می شود و بنا به فرض در زمان مرگ هنوز تراضی واقع نشده است . بنابراین نمی تواند در زمره ی اموال میت به حساب آید.

وارثان ديه :

طبق ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در قتل عمدولی دم ورثه ی مقتول هستند و حق دارند راجع به قصاص یا عفو تصمیم بگیرند مگر زن و شوهر که حق قصاص ندارند .

همچنین طبق تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ « ورثه مقتول به جز بستگان مادری به نسبت سهم الارث از ديه ی مقتول نیز ارث می برند».

قول مشهور در فقه بر این است که هر کسی از ما ترک مقتول ارث می برد از حق قصاص نیز ارث خواهد برد . بر این ملازمه تنها یک استثناء در مورد زوجین وارد است ، زوجین از قصاص ارث نمی برند اما از سایر اجزای ماترک ارث می برند . البته اگر تراضی بر ديه واقع شود آنها نصیب خود را از ديه خواهند برد . به این ترتیب هر صاحب حق قصاص صاحب حق ديه نیز خواهد بود اما هر صاحب حق ديه ای صاحب حق قصاص نیست . در صورت عدم حصول تراضی زوجین حتی بر ديه نخواهد داشت حتی اگر ورثه از قصاص عفو کنند ، اما اگر تراضی بر ديه واقع شود و سپس عفو شود زوجین نصیب خود را از ديه خواهند برد .

ممنوعیت قاتل } محرومیت قاتل عمد از ارث تمامی اموال مورث خود (۸۸۰ و ۸۸۱ ق . مدنی)
از ارث ديه } محرومیت قاتل اعم از عمد و غیر عمد از ارث ديه .

قاتل از اموال مقتول ارث نمی برد ، بدیهی است که آنجا که ديه نیز جزء اموال مقتول به حساب می آید از این قاعده مستثنی نیست .

منتها باید به این نکته توجه داشت که شرط ممنوعیت قاتل ، از ارث در همه ی اموال ، عمد بودن قتل و نا مشروع بودن آن است و بنابراین قتلی که از روی خطا اتفاق افتاد باشد ، مانع از ارث نخواهد بود .

قتل عمد مانند کفر ، لعان و ولادت از زنا از جمله موانع ارث می باشد به عنوان مثال چنانچه زنی عمدا" شوهر خود را به قتل رساند به طور کلی از میراث او محروم می شود .

ماده ۸۸۰ قانون مدنی : « قتل از موانع ارث است ، بنابراین کسی که مورث خود را عمدا" بکشد از ارث او ممنوع می شود اعم از این که قتل بالمباشده باشد یا با لتسبیب و منفردا" باشد یا به شرکت دیگری ».

ماده ۸۸۱ قانون مدنی : « در صورتی که قتل مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود ».

اما باید توجه داشت که در خصوص ممنوعیت ارث دیه دیگر تفکیکی صورت نمی گیرد ، یعنی در هر صورت و صرف نظر از نوع قتل ، قاتل از دیه ارث نمی برد : قاتل اعم از عمد و غیر عمد از دیه محروم می شود. مثلا اگر زن حین رانندگی موجب بروز سانحه و فوت شوهر خود گردد در حالیکه خودش زنده مانده است در این فرض با توجه به این که قتل از نوع غیر عمد تلقی می شود زن از همه ی اموال شوهر ارث می برد اما آیا این زن از دیه ی متوفی نیز ارث می برد یا خیر ؟

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در این باره ساکت بود و قانون مدنی نیز درباره ی محرومیت چنین قاتلی از ارث حکمی ندارد . و در بین صاحبین نظر نیز در این باره اختلاف نظر وجود دارد ، اما قانون مجازات اسلامی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۲ مقرر داشته که قاتل اعم از عمد و غیر عمد از ارث دیه محروم می باشد ، بنابراین اگر قتل عمد باشد قاتل نه تنها از ارث دیه بلکه از همه دارائی مورث محروم می گردد . ولی اگر قتل غیر عمد باشد و قاتل جزء ورثه قرار گیرد فقط از ارث دیه محروم ست.

ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی جدید بیان می کند:

« در صورتی که قاتل از ورثه ی مقتول باشد ، چنانچه قتل عمدی باشد از اموال و دیه ی مقتول و در صورتی که خطاء محض یا شبه عمدی باشد از دیه وی ارث نمی برد . در موارد فقدان وارث دیگر ، مقام رهبری ، وارث است .»

نسبت دیه و قصاص در قتل عمد :

پرسشی که مطرح می گردد این است که آیا حق دیه حقی است اصلی که در عرض حق قصاص به سبب قتل حاصل می شود ؟ یا آنکه حقی است تبعی که در طول قصاص قرار گرفته و بدل آن است ؟ به عبارت دیگر آیا آنچه به واسطه ی قتل عمدی بر ذمه ی جانی مستقری می شود ، یکی از دو موضوع قصاص یا دیه است که انتخاب آن با اولیاء دم است یا آنکه آنچه ابتدائاً بر ذمه ی جانی ثابت می شود تنها قصاص است که فقط در اثر تراضی به دیه تبدیل می شود ؟

همانطور که گفته شد در پاسخ به نسبت دیه و قصاص در قتل عمد ۲ دیدگاه وجود دارد ، بر طبق نظریه اول ، قصاص حق اصلی دانسته شده است و دیه حق بدلی و ثانوی قلمداد می گردد و در نظریه دوم اعتقاد بر این است که قصاص و دیه در عرض یکدیگر قرار دارند .

اگر نظر نخست را مورد پذیرش و ملاک عمل قرار دهیم نمی توان قاتل را به پرداخت دیه مجبور نمود اما طبق نظر دوم که بیانگر یک تعهد تخییری است ، می توان قاتل را به پرداخت دیه مجبور نمود و در این راستا اموال او را توقیف نمود .

در قانون مجازات اسلامی نظریه اول مورد پذیرش قرار گرفته و قصاص حق اصلی و دیه بدلی قلمداد گردیده است . ماده ۳۵۹ قانون مجازات ۹۲ بیان می کند: «در موارد ثبوت حق قصاص، اگر قصاص مشروط به رد

فاضل ديه نباشد،مجنى عليه يا ولى دم ،تنها مى تواند قصاص يا گذشت نمايد واگر خواهان ديه باشد،نياز به مصالحه با مرتكب و رضايتم او دارد.»

موفق باشيد.